

سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدٌ



# پیوندهای نماز

محسن قرائتی

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی ایران:

قرائتی، محسن / ۱۳۲۴.

پیوندهای نماز / مؤلف: محسن قرائتی.

تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۷۵.

ISBN ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۲۷-۹ ریال ۱۵۰۰۰ ص. ۱۴۴

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

کتابنامه به صورت زیر نویس

## پیوندهای نماز



سن قرائتی

|                                                       |                    |
|-------------------------------------------------------|--------------------|
| ناشر: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن                    |                    |
| چاپ: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی |                    |
| نوبت چاپ:                                             | اول - تابستان ۱۳۹۰ |
| شمارگان:                                              | ۵/۰۰۰ نسخه         |
| قیمت:                                                 | ریال ۱۵۰۰۰         |
| شابک:                                                 | ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۲۷-۹  |

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

مرکز بخش:

تهران - تلفن و نمابر ۴ - ۶۶۹۴۶۳۶۳

[www.Qaraati.ir](http://www.Qaraati.ir)

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### مقدمه

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و آله الطاهرين  
در رمضان سال ۱۳۸۹ با جمعی از دوستان طلبه در مشهد بودیم  
و برای امور تبلیغی و انتقال تجربه‌ها و مهارت‌ها، روزی چند ساعت  
گفتگو داشتیم.

روزی موضوع بحث ما، پیوندهای نماز بود و تعدادی از این  
پیوندها را که بیشتر یادداشت کرده بودم گفتم و تعدادی را هم  
دوستان در آن جلسه گفتند. متوجه شدیم که گویا نماز یک نقشه  
جامع اسلامی است که با همه چیز پیوند خورده است.

گویا طراح و مهندس نماز همه چیز را در نظر گرفته و نماز را به  
گونه‌ای طراحی کرده که حتی برای بنده که نیم قرن در لباس  
روحانیت و در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها و جامعه و صدا و سیما بوده‌ام،  
تازگی داشت و لذا این پیوندها را مجدداً بازبینی و تکمیل نموده و  
برای چاپ آماده کردم.

## سیمای نماز

نماز عبادتی است که بر انبیای پیشین نیز واجب بوده است. در روایات نماز به نور، برهان، چراغ، منهاج انبیاء، عمود دین، قیم دین، رأس الامر، اصل اسلام، پرچم ایمان، سیمای دین، بهترین اعمال، ملت و آیین، بهترین وسیله توسل، محبوبترین اعمال، نور چشم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، اول واجب دین برای انسان، اول چیزی که باید به تازه مسلمانان آموزش داد، اول چیزی که در قیامت مورد محاسبه قرار می‌گیرد، آخرین وصیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، آنچه باید بیشترین همت صرف آن شود، وسیله نجات از آتش قیامت، میزان اعمال، باقیات الصالحات توصیف شده است که تمامی این تعبیرات متن روایات ائمه اطهار عليهم السلام می‌باشد.

و در روایتی دیگر می‌خوانیم که برای نمازگزار آثاری است از جمله؛ محبوبیت نزد فرشتگان، برکت رزق، وسیله طرد شیطان، راحتی بدن، سلاحی علیه کافر، مستجاب شدن دعا، توشه قیامت، شفیع برای ملک الموت، انس در قبر، جواب نکیر و منکر است. همچنین نماز در قیامت برای سر مؤمن تاج، برای صورتش نور، برای پایش عبور از صراط، برای بهشت کلید و برای حورالعین

مهریه است<sup>۱</sup> و در حدیثی دیگر می‌خوانیم: برای میزان سنگینی و برای خدا رضایت می‌باشد. هر کس نماز را اقامه کند، دین را اقامه کرده و هر کس نماز را رها کند، دین را رها کرده است.<sup>۲</sup>

و در روایات می‌خوانیم که پیامبر اکرم فرمودند: کسی که نماز را ترک کند، خداوند عملش را حبط می‌کند. امام صادق علیه السلام در ذیل آیه (فقه حبط) فرمودند: از مصادیق آیه آن است که انسان بدون بیماری و اشتغال نماز را رها کند.<sup>۳</sup>

در روایات بسیار دیگر از منابع شیعه و اهل سنت می‌خوانیم: کسی که نماز را عمداً ترک کند از مکتب اسلام خارج است. «مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِيَ مِنْ ذِمَّةِ اللَّهِ وَ ذِمَّةِ رَسُولِ اللَّهِ»<sup>۴</sup> از نظر آمار احادیث شیعه و سنی، هیچ یک از موضوعات و واجبات دین به اندازه نماز روایت و حدیث ندارد.

### پیوند نماز با تاریخ

نماز مخصوص اسلام نیست زیرا به گفته قرآن قبل از اسلام، حضرت عیسی نیز مأمور به نماز بود. قرآن از زبان او می‌فرماید: «وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ»<sup>۵</sup> یعنی خدا مرا به نماز سفارش کرد. چنانکه قبل از

۱. خصال، ج ۲، ص ۵۲۲.

۲. اثنی عشریه، ص ۲۳۷ به نقل از کتاب الصلاة ری شهری.

۳. کافی، ج ۲، ص ۳۸۴.

۴. کافی، ج ۲، ص ۲۸۵.

۵. مریم، ۳۱.

او حضرت موسی و قبل از او حضرت شعیب و قبل از او نیز حضرت ابراهیم مأمور به اقامه نماز بودند.

با این حساب نماز هم با تاریخ گذشته پیوند دارد و هم با تاریخ آینده یعنی زمانی که امام زمان علیه السلام ظاهر شود، حضرت عیسی از آسمان به زمین آمده و پشت سر ایشان نماز می خوانند. از این رو بر هر یک از مسلمانان واجب است که نماز را به نسل بعد از خود که تاریخ سازان آینده هستند، آموزش دهند.

### پیوند نماز با جغرافیا

نماز، تنها مخصوص زمینیان نیست. زیرا قرآن کریم در آیات بسیاری از سجده و تسبیح و قنوت فرشتگان در اوج آسمانها، حضرت یونس در عمق دریا، حضرت نوح در روی آب، حضرت ابراهیم در بیابانهای بی آب و گیاه مکه و انبیای الهی در مناطق مختلف سخن به میان آورده است.

از طرفی وجوب نماز در خانه، مسجد، مسافرت، کشتی، هواپیما، فرودگاه و بنادر نشانه آن است که نماز با همه زمینها و مناطق و جغرافیا گره خورده و اختصاص به مکان یا منطقه خاصی ندارد.



### پیوند نماز با خورشید

طلوع، غروب و دلوک<sup>۱</sup> خورشید یک نوع زمان بندی طبیعی، همگانی و همه جایی برای اقامه نماز است. اولین فرصت برای نماز صبح، فجر و آخرین فرصت آن، طلوع شمس و اولین فرصت نماز ظهر، دلوک شمس و آخرین فرصت برای نماز عصر نیز غروب خورشید است.

«دلوک» هنگامی است که خورشید از وسط آسمان رو به مغرب میل می کند که زوال نامیده می شود و وقت نماز ظهر و عصر است. آیه «عَسَقِ اللَّيْلِ» بیانگر وقت نماز مغرب و عشاء است که تاریکی، فراگیر می شود.

### پیوند نماز با ماه

اقامه نماز عید فطر با دیدن ماه شوال است و همچنین اوقات نمازهای اول نیمه و یا آخر ماه را باید از طریق شکل های متفاوتی که برای ماه است شناسائی کنیم.

### پیوند نماز با ستارگان

در تشخیص قبله نماز از ستاره ها استفاده می شود. کسانی که در بیابان و جاده سفر می کنند و یا در کشورهای خارجی زندگی

می‌کنند، بوسیله ستاره‌ها می‌توانند جهت‌های جغرافیایی و همچنین جهت قبله را تشخیص دهند.

### ❁ پیوند نماز با آب ❁

پیوند نماز با آب بر کسی پوشیده نیست زیرا طهارت بدن و لباس و غسل و وضو در شرایط عادی، شرط صحت نماز است. آب مظهر حیات و پاکی است و وضو گرفتن قبل از هر نماز نیز تأکیدی بر حیات معنوی انسان و پاکی او دارد.

### ❁ پیوند نماز با خاک و زمین ❁

در شرایطی که آب در دسترس نیست و یا برای سلامتی انسان ضرر دارد، باید با خاک تیمم کنیم. خاک نیز از جمله مطهرات است و موجب طهارت جسم و روح انسان می‌شود. علاوه بر آن، در هر نماز باید بر زمین و خاک پاک سجده کنیم.

امام علی علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: تاویل سجده اول آن است که از خاک بوده‌ایم و سر برداشتن از آن یعنی از همین خاک بیرون آمده‌ایم و سجده دوم رمز آن است که با مرگ وارد خاک می‌شویم و سر برداشتن از سجده دوم رمز آن است که در قیامت از همان خاک بیرون می‌آیم.<sup>۱</sup>

### پیوند نماز با آسمان

در روایات سفارش شده که بعضی نمازها بهتر است زیر آسمان خوانده شود، مانند نماز عید قربان، عید فطر، نماز باران و نماز روز عرفه و شاید این رمزی باشد که انسان خود را از قید و اسارت تنگناها و محدودیت‌ها خارج ساخته و در فضای بزرگتری به خالق بی‌نهایت هستی توجه کند.

### پیوند نماز با سلامتی

اگر وضو و غسل برای بدن ضرر دارد، تیمم می‌کنیم. اگر آب تمیز و پاکیزه برای وضو وجود نداشت، تیمم می‌کنیم. اگر ایستادن در حال نماز مشکل بود یا ضرر داشت، می‌توانیم بنشینیم.

اگر نشستن ضرر داشت، می‌توانیم در حال خوابیده نماز بخوانیم. اگر جان انسان در شرایط جبهه و جنگ در خطر بود، شکل و شیوه نماز تغییر می‌کند.

### پیوند نماز با نظافت

اگر لباس انسان از نظر شرعی پاک باشد ولی نظیف و تمیز نباشد، نماز در آن لباس قابل قبول نیست، گرچه رفع تکلیف می‌کند، یعنی کثیفی لباس به نوعی مانع قبولی و عروج نماز است و لذا در نماز

علاوه بر طهارت، نظافت و تمیزی بدن و لباس و محل برپایی نماز مورد توجه است.

در روایات می‌خوانیم که امام حسن علیه السلام بهترین لباسش را برای نماز می‌پوشید و در دیگر روایات بر اموری همچون شانه زدن، لباس سفید پوشیدن، به همراه داشتن زینت، مسواک کردن و معطر بودن و آراستگی سفارش شده است.

در تاریخ آمده است که محل سجده امام صادق علیه السلام از بوی عطر ایشان شناخته می‌شد و از آن حضرت روایت شده است که بوی خوش پاداش نماز را بیش از ۷۰ برابر می‌کند.

### پیوند نماز با نشاط

اسلام سفارش می‌کند که با آب سرد وضو بگیرید و پاداش کسی که آب وضو را خشک نکند، ۳۰ برابر است. این مطلب شاید به خاطر آن باشد که هرچه آب سرد روی پوست بماند، نشاط انسان بیشتر می‌شود.

در حدیث می‌خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمودند: یکی از فواید وضو، ایجاد نشاط و آمادگی روحی است.

در حدیث دیگر می‌خوانیم که افراد با وضو نیز وضوی خود را تجدید کنند که وضو روی وضو، نور علی نور است.<sup>۱</sup>

و در قرآن می‌خوانیم نماز افراد منافق همراه با کسالت و بی‌حالی است: «وَ إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى».<sup>۱</sup>

امیر مؤمنان علی علیه السلام در این رابطه فرمودند: «لَا يَقُومَنَّ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ مُتَكَاسِلًا وَلَا نَاعِسًا»<sup>۲</sup> در حال کسالت و خواب‌آلودگی به نماز نایستید. در دعاها و مناجات‌ها می‌خوانیم که خدایا پناه می‌برم به تو از عبادت با کسالت و بدون نشاط.<sup>۳</sup>

تأخیر نماز از اول وقت در حالی که مانع نشاط و حضور قلب و توجه او باشد، جایز است.

### پیوند نماز با ادب

امام صادق علیه السلام فرمودند: بعضی در نماز با خداوند آنگونه سخن می‌گویند و آنگونه نماز می‌خوانند که اگر با همسایه خود همان گونه سخن بگویند، او قبول نمی‌کند و این خود نوعی بی‌ادبی در نماز است.<sup>۴</sup>

همچنین در نماز جماعت باید نسبت به امام جماعت ادب داشته باشیم، جلو او نایستیم، هنگامی که او مشغول قرائت است ساکت باشیم و صدایمان در ذکرها، بلندتر از صدای او نباشد.

۱. نساء، ۱۴۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۷۷.

۳. کافی، ج ۲، ص ۵۵۸.

۴. کافی، ج ۳، ص ۲۶۹.

### پیوند نماز با آرامش روانی

قرآن می‌فرماید: انسان کم ظرفیت و ناآرام است و همین که با تلخی و شرّ برخورد کند، جیغ و فریاد می‌کند: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا»

و سپس می‌فرماید: «إِلَّا الْمُصَلِّينَ»<sup>۱</sup> یعنی تنها اهل نمازند که به خاطر اتصال به قدرت خدا، توکل بر او، استمداد از او، پناه بردن به او، صبر و تحمل برای رضای او به ریسمان محکمی چنگ می‌زنند و جلوی اضطراب خود را می‌گیرند.

همه اضطراب‌ها و ناهنجاری‌های روحی و روانی و کمبودهای معنوی، با نماز تقویت و درمان می‌یابد.

قرآن عوامل آرامش انسان را ایمان، عمل صالح، نماز و زکات می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ... لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»<sup>۲</sup>

### پیوند نماز با بهشت و دوزخ

در حدیث می‌خوانیم: «مفتاح الجنة الصلاة»<sup>۳</sup>، نماز کلید بهشت است. در قرآن می‌خوانیم: بهشتیان از دوزخیان می‌پرسند چه چیزی شما را به جهنم روانه کرد؟ پاسخ می‌دهند: ما پایبند نماز نبودیم و به

۱. معارج، ۲۲.

۲. بقره، ۲۷۷.

۳. عوالی‌اللائی، ج ۱، ص ۳۲۲.

گرسنگان بی‌اعتنا بودیم و مثل افراد بی‌اراده، به هر سازی می‌رقصیدیم و قیامت را تکذیب می‌کردیم: «قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ وَ لَمْ نَكُ نَطْعِمُ الْمَسْكِينِ وَ كُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ وَ كُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ».<sup>۱</sup>  
در این آیات یکی از عوامل دوزخی شدن را ترک نماز می‌یابیم.

### پیوند نماز با علم و دانش

پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: دو رکعت نماز عالم، از هفتاد رکعت نماز جاهل بهتر است.<sup>۲</sup>

### پیوند نماز با اخلاص

شرط عبادت، اخلاص است. عبادتی که خالصانه نباشد مثل لامپی است که برق ندارد. قرآن می‌فرماید: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ»<sup>۳</sup>؛ مردم سفارش شده‌اند به اینکه مخلصانه بندگی کرده و نماز به پای دارند.

خداوند در جایی دیگر به پیامبرش می‌فرماید: نه تنها نماز و عبادت‌ها، که مرگ و حیات تو هم باید برای پروردگار عالمیان باشد: «قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».<sup>۴</sup>

۱. مدثر، ۴۳-۴۶.

۲. نهج الفصاحه، حدیث ۲۵۰.

۳. بینه، ۵.

۴. انعام، ۱۶۲.

### پیوند نماز با اخلاق اسلامی

قرآن می‌فرماید: لقمان در کنار سفارش به نماز، پسرش را به چند چیز دیگر نیز سفارش کرده است: «یا بُنَى أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنهْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ وَ لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا»<sup>۱</sup> که از این چند آیه استفاده می‌شود آن چه به نماز جلوه می‌دهد و نماز را پر جاذبه می‌کند، امر به معروف و نهی از منکر، صبر و تحمل سختی‌ها، تواضع و فروتنی، اعتدال در زندگی و گفتگوی نرم می‌باشد.

آری کسانی که نماز می‌خوانند ولی نسبت به معروف‌ها و منکرها در جامعه بی‌تفاوتند، یا نماز می‌خوانند ولی افرادی زودرنج یا متکبر و غیر متعادل می‌باشند و با صدای بلند خود سبب رنجش دیگران می‌شوند، نمی‌توانند دیگران و حتی فرزندان و وابستگان خود را به نماز دعوت کنند، زیرا مردم نماز او را دور از اخلاق صحیح و اسلامی می‌دانند.

### پیوند نماز با میراث فرهنگی

قرآن به کسانی که برای حج و عمره به مکه می‌روند، سفارش کرده که بعد از طواف، پشت مقام ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام نماز بخوانند:



«وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى». <sup>۱</sup> مقام ابراهیم، سنگی است که حضرت ابراهیم روی آن ایستاد و پایه‌های کعبه را بالا برد. این سنگ امروزه در محفظه‌ای شیشه‌ای در کنار خانه خداست.

### پیوند نماز با زمان بندی

قرآن، نماز را واجبی دارای وقت و زمان مشخص خوانده است: «كِتَابًا مَوْقُوتًا» <sup>۲</sup> نماز دارای برنامه زمانی مشخص و معین است و آغاز نماز آن در هر صبح و ظهر و شام براساس اوقات طبیعی تعیین گردیده است. این آموزه دینی، انسان را به یک فرد وقت شناس، برنامه ریز و منظم تبدیل می‌کند.

### پیوند نماز با پایداری

آن چه به ایمان ارزش می‌دهد، تداوم و استمرار آن است و از ایمان و توجهات لحظه‌ای که انسان به هنگام خطر پیدا می‌کند، انتقاد شده است. قرآن بارها می‌فرماید: گروهی همین که در دریا گرفتار موج می‌شوند، خالصانه دعا می‌کنند، اما هنگامی که کشتی آنان به ساحل می‌رسد، خدا را فراموش می‌کنند: «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِّ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ» <sup>۳</sup>

۱. بقره، ۱۲۵.

۲. نساء، ۱۰۳.

۳. عنکبوت، ۶۵.

قرآن از کسانی ستایش می‌کند که نسبت به نماز پایدارند: «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ».<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرمودند: بهترین اعمال نزد خداوند، با دوام‌ترین آنهاست، اگرچه کم باشد: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا دَاوَمَ الْعَبْدُ عَلَيْهِ وَإِنْ قَلَّ»<sup>۲</sup>

### پیوند نماز با جبران گذشته‌ها

اگر نمازی قضا شد یا سجده‌ای یا تشهدی فراموش شد، باید آن گونه که در رساله مراجع آمده است، جبران شود و این یک درس است که می‌توان فراموش شده‌ها و تلف شده‌ها را جبران نمود. اگر در کاری نقصی پیدا شد، نباید دل‌سرد و ناامید گشت، بلکه باید به انسان فرصتی داده شود تا کمبودها را جبران کند، همان گونه که برای گناهان، راه توبه باز است.

امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق می‌فرماید: خدایا تو برای هر کاری که تلف شده است، جایگزینی داری: «وَعِنْدَكَ مِمَّا فَاتَ خَلْفًا» و برای کارهای فاسد، راه اصلاح گشوده‌ای: «وَلِمَا فَسَدَ صَلَاحُ» و برای کارهایی که نمی‌پسندی، راه تغییر قرار داده‌ای: «وَفِيمَا أَنْكَرْتَ تَغْيِيرًا»<sup>۳</sup>.

۱. معارج، ۲۳.

۲. کافی، ج ۳، ص ۲۷۴.

۳. صحیفه سجادیه، دعای ۹۸.

### پیوند نماز با تنوع

در نمازهای واجب و مستحب تنوع بسیار می‌بینیم؛ در انتخاب سوره، مقدار ذکر، تعداد رکعات، مانند: نماز یک رکعتی (نماز وتر)، دو رکعتی (نماز صبح و نمازهای مستحبی)، سه رکعتی (نماز مغرب)، چهار رکعتی (نماز ظهر و عصر و عشاء)، گاهی با پنج رکوع (نماز آیات)، گاهی با پنج قنوت (نماز عید فطر و قربان)، گاهی با تکرار سوره (نماز وحشت)، گاهی بدون وضو و غسل (نماز میت)، گاهی بدون سوره توحید و گاهی با ۱۰۰۰ سوره در یک رکعت (نماز شب عید فطر).

برای بعضی از روزها نماز مخصوص آمده است.

برای هریک از امامان معصوم نمازی مخصوص بیان شده است.

در این موضوع کتاب‌هایی نوشته شده و چند صد نوع نماز جمع آوری شده است.

### پیوند نماز با کیفیت و کمیت

قرآن در ابتدای سوره مؤمنون می‌فرماید: رستگاران واقعی کسانی هستند که در نماز خشوع داشته باشند، که این نشانه کیفیت در انجام نماز است. «قد أفلح المؤمنون . الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» در آیات دیگر می‌فرماید: «وَ اذْكُرُوا اللّٰهَ كَثِيْرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ»، بسیار یاد خدا

کنید و ناگفته پیداست که نماز یاد خداست: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»<sup>۱</sup> و این نشان دهنده کمیت در نماز است.

### پیوند نماز با پرهیزکاری و تقوا

پرهیز از خوردن، آشامیدن، قهقهه، به اطراف نگاه کردن، سخن گفتن، باطل کردن وضو، گریه برای مصائب دنیوی و سایر اموری که در رساله مراجع تقلید آمده، نمونه‌هایی است از اموری که باید نمازگزار از آنها پرهیز کند.

به عبارت دیگر اگر پرهیز از خوردن و آشامیدن در روزه یک ماه رمضان است، در هر شبانه روز باید این نوع پرهیزها را در دقایقی تمرین کنیم.

همان گونه که زائران خانه خدا مادامی که در لباس احرام هستند، باید از بسیاری امور پرهیز کنند و این پرهیزها یک تقوا و تمرین عملی است که در کنار سفارش به تقوا، در تربیت انسان آثار محسوسی دارد.

### پیوند نماز با دیگر اعمال

در اذان نماز می‌گوییم: «حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ»، بشتابید به سوی بهترین عمل‌ها. بنابراین نماز، بهترین عمل است، و باید الگوی همه

اعمال باشد. یعنی ببینیم در نماز چه ظرافت‌هایی از قبیل اخلاص، طهارت، انجام به وقت، حضور قلب، حضور در جماعت، رهبری یک عالم عادل، حفظ حقوق دیگران، حفظ جان و مال، لقمه حلال، تلاوت قرآن، پذیرفتن رهبری آسمانی، انجام فعالیت بدنی در بهترین لباس و عطر و شانه، و صدها نکته دیگر نهفته است که آن را الگوی همه اعمال، خود قرار دهیم.

هرگاه تصمیم بگیریم تمام کمالاتی را که در نماز نهفته است در تمام کارهای خود تزریق کنیم، آن وقت همه کارهای ما خیر العمل خواهد شد و آنگاه است که ما هم برای دیگر مردمان الگو خواهیم شد: « وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ اِمَامًا »<sup>۱</sup>.

### پیوند نماز با دوستی خدا

عصر تاسوعا، دشمن قصد حمله داشت، اما امام حسین علیه السلام درخواست کردند جنگ را به فردا موکول کنید، زیرا من امشب می‌خواهم نماز بخوانم. سپس فرمودند: «انّی احبّ الصلاة»<sup>۲</sup>، من نماز را دوست دارم. چنین نمازی بالاتر از آن نمازی است که ما به خاطر فرار از جهنم می‌خوانیم. او نماز را به خاطر عشق به خدا می‌خواند، نه ترس از دوزخ و نه به طمع بهشت.

۱. فرقان، ۷۴.

۲. لهوف، ص ۸۹.

علاقه عمیق حضرت علی علیه السلام به نماز بود که در حال نماز تیر از پای آن حضرت کشیدند و متوجه نشد. چنانکه اگر بچه‌ای به استخر بیفتد، علاقه مادر او را وادار می‌کند که حتی اگر زمستان است و شنا نمی‌داند، خود را به استخر بیافکند تا بچه‌اش را نجات دهد.

### پیوند نماز با استقرار و آرامش

یکی از شرایط نماز آن است که مکان نمازگزار، دچار تزلزل و اضطراب و لغزندگی و شیب تند نباشد. زیرا نمازگزار در حال استقرار و آرامش نیست و هر لحظه در معرض لغزندگی است.

### پیوند نماز با آموزش

نمازگزاران باید احکام نماز را آموزش ببینند و دانستن احکام نماز بر هر مسلمانی واجب است. چه بسیارند افرادی که به خاطر ندانستن احکام مدتها عبادت می‌کنند ولی کارشان باطل است. و به قول قرآن کریم: «عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصَلِّي نَارًا حَامِيَةً»<sup>۱</sup> یعنی کار کرده‌اند و خود را به سختی انداخته‌اند، اما به خاطر نداشتن اخلاص یا ندانستن شیوه کار، گرفتار دوزخ می‌شوند. همچون کسانی که بدون پروانه در مکان‌های غیرمجاز ساختمانی بنا می‌کنند که هم هزینه کرده‌اند و هم دولت خانه آنها را خراب نموده و جریمه می‌کند.

کوتاه سخن آنکه باید نماز و احکام آن را یاد بگیریم و بر والدین و معلمان و علما واجب است که احکام ضروری را به دیگران بیاموزند.

### پیوند نماز با اولیای فدا

از اینکه به ما سفارش شده در حرم پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام جلوتر از قبر آن بزرگواران نماز نخوانیم و در صورتی که نماز خواندن، نوعی بی احترامی به آنان باشد، نماز اشکال دارد، می فهمیم که احترام به اولیای الهی، حتی در نماز لازم است.

### پیوند نماز با آماده سازی

انجام نماز، مقدماتی چون طهارت بدن و لباس، وضو و در بعضی موارد، غسل، گفتن اذان و اقامه دارد و این بسترها برای آماده سازی نماز لازم است. همان گونه که ورزشکاران قبل از ورزش رسمی، تمریناتی دارند و هواپیما نیز قبل از پرواز مقداری در باند حرکت می کند. در روایات آمده که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قبل از نماز شب، آیات آخر سوره آل عمران را تلاوت می فرمودند و سفارش شده است که ما نیز این آیات را بخوانیم: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ»<sup>۱</sup>.

### پیوند نماز با سرعت و سبقت

بر خلاف جمله معروفی که می‌گویند: عجله کار شیطان است، در انجام کارهای خیر، سرعت و سبقت سفارش شده است. قرآن با جمله «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»،<sup>۱</sup> «سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ»<sup>۲</sup> و «فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ»<sup>۳</sup> مؤمنین را به شتاب در امور خیر و به خصوص در عباداتی مثل نماز سفارش کرده است. جملات «حَى عَلَى الصَّلَاةِ، حَى عَلَى الْفَلَاحِ، حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» در اذان، مردم را به شتاب در انجام نماز دعوت می‌کند.

### پیوند نماز با تلاش برای رفع موانع

نماز در هیچ شرایطی تعطیل بردار نیست و نمی‌توان از زیر بار آن شانه خالی کرد، بلکه در هر شرایطی لازم است اقامه شود. در حال سلامت یا بیماری، ایستاده یا نشسته یا خوابیده. بنابراین باید برای هر یک از شرایط و واجبات آن تلاش کرد و موانع را برطرف نمود، چون هیچ مشکلی مانع از انجام چنین فریضه‌ای نمی‌شود. در سفر باید تلاش شود برنامه سفر به گونه‌ای تنظیم شود که نماز ضایع نشود.

۱. بقره، ۱۴۸.

۲. آل عمران، ۱۳۳.

۳. جمعه، ۹.



## پیوند نماز با معراج

همان گونه که در سفر معراج، پیامبر از زمین جدا شد، در نماز نیز باید انسان از مادیات جدا شده و به مبدأ معنویات یعنی خالق هستی توجه کند. از خوردن و آشامیدن جدا شود، از همسر و فرزند جدا شود، از خواب و استراحت جدا شود، تجارت و داد و ستد را رها کند، حتی اگر با دیگران حرف می‌زند، به احترام نماز اول وقت سخن خود را قطع کند.

اکنون توجه شما را به چند خاطره جلب می‌کنم:

خاطره اول: ابن عباس دید که حضرت علی علیه السلام در وسط میدان جنگ به آسمان نگاه می‌کند. پرسید: چرا به آسمان نگاه می‌کنید؟ حضرت فرمود: برای اینکه نماز اول وقت از دستم نرود. گفت: شما در حال جنگیدن هستید. حضرت فرمود: از نماز اول وقت نباید غفلت شود، حتی در میدان جنگ.

خاطره دوم: یکی از فرقه‌هایی که نامش در قرآن آمده، «صابئین» هستند. (آنان خود را پیروان حضرت یحیی می‌دانند و در زندگی برای ستارگان تأثیری قائل می‌باشند، نماز و مراسم ویژه‌ای دارند و هنوز هم در خوزستان گروهی از آنان زندگی می‌کنند.)

این فرقه، رهبری دانشمند ولی مغرور داشت که بارها با امام رضا علیه السلام گفتگو کرده بود، ولی حق را نپذیرفته بود. در یکی از

جلسات، امام رضا علیه السلام استدلال‌هایی را مطرح کرد که او تسلیم شد و گفت: اکنون روح من نرم و آماده شده و حاضر مکتب شما را بپذیرم. ناگهان صدای اذان بلند شد. امام رضا علیه السلام با شنیدن صدای اذان جلسه را ترک کردند. دیگران گفتند: اکنون فرصت حساسی است، ولی امام فرمودند: اوّل نماز!

آن فرد صابئی که این تعهد را از امام دید، علاقه‌اش بیشتر شد و بعد از نماز گفتگوش را تکمیل کرد و ایمان آورد.

خاطره سوم: روزی که شاه از ایران فرار کرد، صدها خبرنگار در پاریس جمع شده بودند تا با امام خمینی ره مصاحبه کنند. خبرنگاران دوربین‌های خود را مستقر کردند و همزمان سخن امام را به تمام کشورها مخابره می‌کردند. فرزند ایشان (حاج احمد آقا) می‌گفت: حضرت امام در وسط سخنرانی رو به من کرد و پرسید: آیا هنگام اذان شده است؟ گفتم: بله، اکنون وقت نماز است. در این هنگام، امام سخن خود را قطع کرد و برای اقامه نماز حرکت کردند.

### ❁ پیوند نماز با صداقت ❁

نماز، نشانه صداقت است؛ کسی که دیگری را دوست دارد، سخن گفتن با او را هم دوست دارد. آنها که با زبان، مدّعی خداخواهی و خدا دوستی‌اند، ولی نماز نمی‌خوانند، در ادّعای خود صداقت ندارند. نماز، ملاک و میزان تعهدی است که انسان در اظهارات خود دارد.

به همین دلیل نماز منافق، عاشقانه نبوده و همچون سایر اعمالش همراه با صداقت نیست.

### پیوند نماز با دریافت الطاف الهی

خداوند می فرماید: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ»<sup>۱</sup> مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم. یاد ما برای خداوند سودی ندارد، ولی یاد او، مایه همه چیز است، زیرا لطفش را نصیب ما می فرماید، لغزش ما را می بخشد، دعای ما را می پذیرد، مشکل ما را حل می کند و لطف او برای ما بی نهایت ارزش دارد.

آری، اگر همه انسان‌ها از بندگی خداوند روی برگردانند، چیزی از خداوند کاسته نمی شود و اگر همه او را بندگی کنند، چیزی به او اضافه نمی شود، چنانکه اگر همه خانه‌ها رو به خورشید ساخته شوند، چیزی به خورشید اضافه نمی شود و اگر همه پشت به خورشید کنند، چیزی از آن کم نمی شود.

### پیوند نماز با آمرزش گناهان

امام علی علیه السلام بر جمعی وارد شده و از آنها پرسید: امیدبخش‌ترین آیه‌ی قرآن کدام است؟! هر کس به فراخور علم و حال خویش آیه‌ای را عنوان کرد:

بعضی گفتند: آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ»، خداوند جز شرک، گناهان دیگر را می‌بخشد.

بعض دیگر گفتند: آیه «وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا»<sup>۱</sup>، هر کس کار خلاف و ظلمی کرده باشد، آنگاه توبه و استغفار کند، خداوند را بخشنده و مهربان خواهد یافت.

عده‌ای اظهار داشتند: آیه‌ی «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ، لَا تَقْتُلُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا»<sup>۲</sup>، ای بندگان من که در حق خود اسراف کرده‌اید! از رحمت خدا مأیوس نشوید، زیرا او همه‌ی گناهان را می‌بخشد.

تعدادی هم نظر به این آیه داشتند: «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ، ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ إِلَّا اللَّهُ»<sup>۳</sup>، کسانی که اگر کار زشتی انجام دادند و به خودشان ظلم کردند، یاد خداوند می‌کنند و برای گناهان خویش استغفار می‌نمایند، و کیست جز خداوند که گناهان را ببخشد.

امام پس از شنیدن نظرات آنان فرمود: از حبیب رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: امیدبخش‌ترین آیه در قرآن، آیه‌ی: «أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي

۱. نساء، ۴۸.

۲. نساء، ۱۱۰.

۳. زمر، ۵۳.

۴. آل عمران، ۱۳۴.

النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ، إِنَّ الْحَسَنَاتِ يَذْهَبْنَ السَّيِّئَاتِ»<sup>۱</sup>، در دو طرف روز و اوایل شب، نماز را برپادار چرا که حسنات، سیئات (و آثار آنها را) از بین می‌برند. این تذکری است برای کسانی که اهل تذکّرند!

سپس پیامبر ﷺ ادامه دادند: یا علی! سوگند به خداوندی که مرا بشیر و نذیر برای مردم مبعوث کرد، هنگامی که انسان برای نماز وضو می‌گیرد، گناهایش ریخته می‌شود، و زمانی که رو به قبله کند، پاک می‌شود. یا علی! مثال اقامه کننده‌ی نمازهای روزانه، مثل کسی است که هر روز پنج مرتبه در نهر آبی که جلوی منزل اوست خود را شستشو دهد.

### پیوند نماز با نیاز

در هنگام روز که انسان سر و کارش با افراد گوناگون و کارهای مختلف است، زمینه لغزش و انحرافش بیشتر می‌شود. هوس‌ها، جلوه‌ها، حيله‌ها و تمام پرتگاه‌ها در روز جلوه دیگری دارند و لذا اوّل روز و آخر روز باید نماز خوانده شود و برای وسط روز سفارش ویژه آمده است: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى»<sup>۲</sup> از آنجا که روزهای جمعه و عید زمان فراغت انسان است و معمولاً در زمان فراغت گرایش به فساد بیشتر می‌شود، سفارش به

۱. هود، ۱۱۴.

۲. بقره، ۲۳۸.

خواندن نماز جمعه و نماز عید شده است. و هرگاه مشکل اضافه‌ای برای انسان پیش آمد، سفارش به نماز بیشتری شده است: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»<sup>۱</sup>

به هر حال شاید بتوان گفت: برنامه‌ریزی نماز مناسبت کامل با نیازها روحی و روانی انسان دارد.

### پیوند نماز با توکل

در نماز بارها آیه مبارکه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بر زبان جاری می‌کنیم. حرف «باء» در «بسم الله» رمز استمداد از خدا و توکل به اوست. با یاد خدا شروع کردن، نشانه آن است که تنها از قدرت او کمک بگیریم و به او توکل کنیم، چنانکه یاد او نشانه مهر او و عشق به اوست.

### پیوند نماز با مهربانی و رحم

در نماز، خواندن سوره حمد واجب است و در این سوره ۴ بار واژه «رحمت» به کار رفته است: ۲ بار در «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، قبل از حمد و ستایش خداوند و ۲ بار هم بعد از آن در «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». همچنین ۲ بار هم در «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» سوره‌ای که بعد از فاتحه‌الکتاب خوانده می‌شود.

پس در هر رکعت ۶ بار این واژه به کار می‌رود و در هر شبانه روز حداقل ۶۰ بار این ذکر گفته می‌شود. به راستی نمازگزاری که هر روز ۶۰ بار از مهربانی و رحمت خدا سخن می‌گوید، از بی‌رحمی و نامهربانی دور می‌شود.

نمازگزار باید بداند که شرط دریافت رحمت الهی، آن است که نسبت به دیگران رحم داشته باشد و از لغزش‌های دیگران درگذرد. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»، مردم باید یکدیگر را عفو کنند و از کدورت‌ها چشم‌پوشی کنند. سپس برای تشویق می‌فرماید: آیا دوست ندارید که خداوند شما را ببخشد؟ ببخشید تا بخشیده شوید.

### بیبوند نماز با وحدت

هر انسانی در طول روز به خاطر هدف‌های مختلفی که دارد، تلاش‌های گوناگونی می‌کند، اما هنگامی که زمان نماز می‌رسد، هم دل‌ها به یک سو متمایل گشته و تشنگی‌ها متمرکز شده، بدن‌ها در کنار هم، قدم‌ها به سوی یک نقطه (مسجد) در حرکت، همه یک جمله می‌گویند و همه در برابر یک خدا رکوع و سجود می‌کنند. بنابراین نماز اهرمی است برای ایجاد وحدت در کسانی که در هدف‌ها، نژادها، لهجه‌ها، سلیقه‌ها و کارها متفاوت می‌باشند.

## پیوند نماز با هدیه

اسلام، نماز را هدیه‌ای ارزشمند برای زندگان و مردگان قرار داده است، چنانکه خود نماز یک هدیه الهی است که خداوند به بشر عطا کرده تا از این طریق انسان با او گفتگو کند. حتی انسان می‌تواند نماز بخواند و ثواب آن را به افرادی که مورد نظرش هستند، هدیه کند.

برخی مفسران معتقدند که آیه ۱۹۹ سوره آل عمران: «وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» درباره نجاشی، پادشاه حبشه است که در سال نهم هجری وفات یافت. وقتی رسول خدا ﷺ از مرگ او مطلع شد، به مردم فرمود: یکی از برادران شما در خارج از حجاز وفات یافته، حاضر شوید تا به پاس خدمات او بر وی نماز بخوانیم.

پرسیدند: او کیست؟ فرمود: نجاشی. آن گاه مسلمانان به همراه رسول خدا ﷺ به قبرستان بقیع رفته و برای او نماز گزارند.<sup>۱</sup> چنانکه جعفر طیار برادر حضرت علی عليه السلام که بنیانگذار اسلام در آفریقا بود، هنگامی که در بازگشت از سفرش با پیامبر صلی الله علیه و آله ملاقات کرد، حضرت نمازی به او تعلیم و هدیه فرمودند که به نام نماز

۱. تفسیر در المنثور، ج ۲، ص ۴۱۶.



جعفر طیار در کتب ادعیه و مفاتیح الجنان آمده و از بهترین نمازهای مستحبی می باشد.

### پیوند نماز با رنگ‌ها

نماز، علاوه بر آنکه به خاطر قصد قربت و نیت خالص، به انسان رنگ معنوی و الهی می دهد، با رنگ‌های ظاهری نیز پیوندهایی دارد؛ سفارش شده است با لباس سفید نماز را اقامه کنید و با لباس سیاه نماز خواندن مکروه است. در میان رنگ‌ها، رنگ سفید نشانه پاکی و صفا است. رنگی است که هم نوزاد را با آن می پوشانند و هم میت را و هم برای مراسم حج، احرام حاجیان سفید رنگ است. رنگ سفید، آلودگی روی لباس را بهتر نشان می دهد و انسان را زودتر به فکر نظافت می اندازد. در اسلام جز کفش و عبا و عمامه، پوشیدن لباس سیاه مکروه است. خوشبختانه چادر نماز زنان ما معمولاً به رنگ سفید و روشن است.

### پیوند نماز با آهنگ و قالب زیبا

اگر انسان به سوره فاتحه الكتاب که خواندن آن در همه نمازها واجب است، بنگرد، مشاهده می کند که این سوره دارای یک آهنگ و ریتم خاصی است و تمام کلمات پایانی آیات این سوره، قالب‌های مشابه دارند: «العالمین، الرَّحیم، الدِّین، نستعین، المستقیم، الضَّالِّین».

همچنین است سوره توحید: «أحد، صمد، یلد، یولد».

در بسیاری دیگر از سوره‌های قرآن نیز این آهنگ و ریتم خاص در کلمات پایانی قابل مشاهده است که این مطلب نشان می‌دهد محتوای خوب باید در ظرف و قالب خوبی عرضه شود.

### پیوند نماز با ترمیم شراب

با اینکه شراب، مفسد جسمی، روحی و اجتماعی فراوانی دارد، اما قرآن درباره آثار سوء آن می‌فرماید: «وَيُضِلُّكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ»<sup>۱</sup>، شراب، میان شما کینه ایجاد می‌کند و شما را از یاد خدا و نماز باز می‌دارد. در این آیه، از میان دهها خطر و ضرری که شراب دارد، روی ضرر اجتماعی و معنوی آن تکیه شده است؛ ضرر اجتماعی، پیدا شدن کینه و ضرر معنوی غفلت از یاد خدا و نماز.

### پیوند نماز با تمام عمر

نماز تا آخرین نفس همراه انسان است و تعطیل بردار نیست: «وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا»<sup>۲</sup>

هر یک از دستورات اسلامی ممکن است به دلیلی تعطیل شود. مثلاً جنگ و جهاد، بر بیمار و نابینا واجب نیست. روزه بر مسافر و مریض واجب نیست. خمس و زکات و حج، بر طبقه محروم واجب

۱. مانند، ۹۱.

۲. مریم، ۳۱.

نیست. اما تنها عبادتی که بر همه افراد و اقشار جامعه از مرد و زن، فقیر و غنی، سالم و بیمار واجب است، نماز است که تا لحظه مرگ حتی یک روز قابل تعطیل شدن نیست. گرچه بانوان در هر ماه، چند روزی از انجام آن معاف هستند.

### ﴿ پیوند نماز با نذر ﴾

قرآن می‌فرماید: «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحْرَرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».<sup>۱</sup> در تفاسیر و کتب روایی آمده است: دو خواهر به نام‌های «حَنَّهُ» و «اشیاع»، که اولی همسر «عمران» از شخصیت‌های برجسته بنی اسرائیل، و دوومی همسر زکریای پیامبر بود، بچه‌دار نمی‌شدند. روزی «حَنَّهُ» زیر درختی نشسته بود، پرنده‌ای را دید که به جوجه‌هایش غذا می‌دهد. محبت مادرانه، آتش عشق به فرزند را در وجود او شعله‌ور ساخت، در همان حال دعا کرد و از خداوند فرزند خواست. از سوی دیگر به شوهرش الهام شد که فرزندش از اولیای خدا خواهد بود و بیماران را شفا و مردگان را زنده خواهد کرد.

وقتی «حَنَّهُ» باردار شد، از آنجا که پیش‌بینی می‌کرد فرزندش پسر باشد، نذر کرد که فرزندش خدمتکار بیت المقدس شود. اما چون

نوزاد به دنیا آمد، دیدند دختر است. آنها فهمیدند که آن الهام الهی در مورد خود مریم نبوده است، بلکه درباره فرزند او خواهد بود. آری، خدمت در مسجد به قدری ارزشمند است که اولیای خدا عزیزان خود را قبل از تولد نذر آن می‌کردند.

### پیوند نماز با سیر باطنی

همان گونه که برای انجام نماز، طهارت ظاهری، در قالب وضو و غسل و تیمم، شرط است، قبول و پذیرفته شدن نماز نیز به طهارت باطنی نیاز دارد. بارها قرآن به پاکی دل اشاره کرده است و می‌فرماید: تنها قلب سلیم به درگاه خداوند راه دارد. قلب سلیم، قلبی است که در آن شک و شرک راه نداشته باشد.

نماز نیز همانند قرآن کریم ظاهری دارد و باطنی و آنچه ما انجام می‌دهیم، اگر درست باشد، ظاهر نماز است که باید سگوی پرواز به باطن آن باشد. نمازی بر اساس معرفت و عشق. نمازی برخاسته از اخلاص و محبت. نمازی با حال خشوع. نمازی دور از غرور و عُجب و ریا. نمازی سازنده و محرک. نمازی از قلبی بی‌هوی و بی‌مرض.

نمازی که پرتوی از آن را فهمیدیم و نوشتیم و گفتیم، ولی لیاقت خواندن یک رکعت آن را نویسنده در تمام عمرش پیدا نکرده است!

### پیوند نماز با تعقل، تفکر و تدبّر

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: افرادی نماز می‌خوانند در حالی که حتی یک دهم آن هم پذیرفته نیست، زیرا از نماز آن مقداری قبول است که همراه با تعقل باشد: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَصَلِّي الصَّلَاةَ لَا يَكْتَبُ لَهُ سُدُسُهَا وَلَا عَشْرُهَا وَإِنَّمَا يَكْتَبُ لِلْعَبْدِ مِنْ صَلَاتِهِ مَا عَقَلَ مِنْهَا»<sup>۱</sup>.

در روایات متعدد، از نماز با تفکر و تدبّر ستایش شده و ارزش آن را بالاتر از نماز شب و دیگر نوافل مستحب دانسته‌اند: «يَا أَبَا ذَرٍّ؛ رَكَعَتَانِ مُقْتَصِدَتَانِ فِي تَفَكُّرٍ خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ لَيْلَةٍ وَالْقَلْبُ سَاهٍ»<sup>۲</sup> و «صَلَاةٌ رَكَعَتَيْنِ بِالتَّدْبِيرِ خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ لَيْلَةٍ وَالْقَلْبُ سَاهٍ»<sup>۳</sup>.

### پیوند نماز با وقت شناسی

قرآن در توصیف مؤمنان رستگار می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»<sup>۴</sup> که در روایات متعدد می‌خوانیم: مراد از حفاظت نماز، حفاظت از وقت نماز است که به تأخیر نیفتد.

امام علی عليه السلام در نامه‌ای به محمد بن ابی‌بکر نوشت: مراقب وقت نماز باش و آن را در وقت خود به جای آور. نه به خاطر فراغت، در اقامه آن عجله کن و نه به خاطر مشغله کاری، آن را به تأخیر انداز:

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷۴.

۳. بحار، ج ۸۴، ص ۲۵۹.

۴. مؤمنون، ۹.

«صَلِّ الصَّلَاةَ لَوْ قَتَلَتْهَا الْمُؤَقَّتِ لَهَا وَلَا تُعَجِّلْ وَقْتَهَا لِفِرَاعٍ وَلَا تُؤَخِّرْهَا عَنْ وَقْتِهَا لِاشْتِغَالٍ»<sup>۱</sup>

در حدیثی می‌خوانیم: نماز در اول وقت، رضوان خداوند و در آخر وقت، (نیازمند) عفو خداوند است و در حدیث دیگری آمده است: برتری اول وقت بر آخر وقت، مثل برتری آخرت بر دنیا است.

### پیوند نماز با مرگ آسان

در حدیث آمده است: هیچ بنده‌ای نیست که به نماز اول وقت و اوقات نماز اهتمام ورزد، مگر آنکه مرگ آسان و بدون غم و اندوه و نجات از آتش را برای او ضمانت کنم. «مَا مِنْ عَبْدٍ اَهْتَمَّ بِمَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ وَ مَوَاضِعِ الشَّمْسِ اِلَّا ضَمِنْتُ لَهُ الرُّوحَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ انْقِطَاعَ الْهُمُومِ وَ الْأَخْزَانَ وَ النَّجَاةَ مِنَ النَّارِ»<sup>۲</sup>.

### پیوند نماز با سایر کارها

در نامه حضرت علی علیه السلام به محمد بن ابی بکر می‌خوانیم: تمام کارهای تو تابع نماز تو است و هر کس نماز را ضایع کند، سایر کارها را بیشتر ضایع خواهد کرد:

«أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ وَ اعْلَمَ أَنَّ مَنْ ضَيَعَ الصَّلَاةَ فَهُوَ لِغَيْرِهَا أَضْيَعٌ»<sup>۳</sup>

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۸۳.

۲. الأمالی للمفید، ص ۱۳۶.

۳. نهج البلاغه، ص ۳۸۳.

حتی در هنگام پیش آمدن دو وظیفه جهاد و نماز، نباید یکی فدای دیگری شود و به همین دلیل در قرآن برای نماز در حال خوف و اضطراب و جنگ، دستوراتی بیان شده است.<sup>۱</sup>

### ببوند نماز با مقام محمود

قرآن به پیامبرش می‌فرماید: برای دریافت مقام محمود باید پاسی از شب را بیدار باشی و به نماز بایستی: «فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَحْمُوداً»

آری مقام رهبری، مستلزم تکالیف سنگین‌تری است و لذا تمام انبیا نماز شب داشتند.<sup>۲</sup>

در حقیقت مقامی ارزشمند است که نزد خدا پسندیده باشد و گرنه شهرت‌های پوچ، ارزشمند و ماندگار نیست.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: پاداش نماز شب آن قدر زیاد است که خداوند می‌فرماید: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>۳</sup>، هیچ کس پاداشی را که برای آنان در نظر گرفته شده نمی‌داند.<sup>۴</sup>

۱. نساء، ۱۰۲.

۲. سفينة البحار.

۳. سجده، ۱۷.

۴. تفسیر مجمع البیان.

## پیوند نماز با تربیت

انسان در تلاوت سوره‌ی حمد:

با «بِسْمِ اللَّهِ» از غیر خدا قطع امید می‌کند.

با «رَبِّ الْعَالَمِينَ» و «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» احساس می‌کند که مربوب و مملوک است و خودخواهی و غرور را کنار می‌گذارد.

با کلمه «العالمین» میان خود و تمام هستی ارتباط برقرار می‌کند.

با «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» خود را در سایه لطف او می‌داند.

با «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» غفلتش از آینده زدوده می‌شود.

با گفتن «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» ریا و شهرت طلبی را از خود زایل می‌کند.

با «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» از ابرقدرت‌ها نمی‌هراسد.

با «أَنْعَمْتَ» بیان می‌کند که همه‌ی نعمت‌ها به دست اوست.

با «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» رهسپاری در راه حق و طریق مستقیم را درخواست می‌کند.

با بیان «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» همبستگی خود را با پیروان حق اعلام می‌کند.

با «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» و «لَا الضَّالِّينَ» بیزاری از باطل و اهل باطل

و برائت از غضب شدگان و گمراهان را ابراز می‌دارد.<sup>۱</sup>



### پیوند نماز با زبان واحد

نماز وسیله‌ای است تا همه مسلمانان یک زبان مشترک و واحد داشته باشند. همان گونه که تمامی خلبانان دنیا هرگاه بخواهند با هر فرودگاهی تماس بگیرند، باید با زبان انگلیسی صحبت کنند، همه مسلمانان نیز باید در نماز که اساس آن بر جماعت است با زبان واحدی صحبت کنند.

### پیوند نماز با نور قلب

در روایات می‌خوانیم که نماز نور است و هر کس می‌خواهد قلب خودش را با نور معنوی روشن کند، نماز بخواند: «الصَّلَاةُ نُورُ الْمُؤْمِنِ وَالصَّلَاةُ نُورٌ مِنَ اللَّهِ»<sup>۱</sup>

### پیوند نماز با اولویت سنجی

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند: اگر نمازهای مستحبی و نوافل به نمازهای واجب ضرر می‌رساند، لازم است که نوافل کنار گذاشته و ترک شوند. پس اولویت با امور مهم و واجبات است.

### پیوند نماز با مسن عاقبت

در حدیث می‌خوانیم: جوانی پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله نماز می‌خواند ولی مرتکب گناه و فحشا نیز می‌شد. هنگامی که ماجرای او را برای

پیامبر نقل کردند، فرمود: سرانجام روزی فرامی‌رسد که نماز او را از گناه باز می‌دارد: «إِنَّ صَلَاتَهُ تَنْهَاهُ يَوْمًا»<sup>۱</sup>.

### پیوند نماز با نزول رحمت

در حدیث می‌خوانیم: نماز، سبب نزول رحمت الهی بر انسان می‌شود: «الصَّلَاةُ تَسْتَنْزِلُ الرَّحْمَةَ»<sup>۲</sup>.

### پیوند نماز با روابط اجتماعی

در نمازجماعت، با اینکه زن و مرد در کنار همدیگر در این فریضه الهی شرکت می‌کنند، اما حجاب و عفاف و تقوا، نظم و ادب و پاکی بر همه حاکم است. در مسجد همه با هم هستند، هیچ کس به خاطر سنّ و سواد و سرمایه بر دیگری افتخار نمی‌کند. آری مسجد و نمازجماعت، یک الگوی بسیار خوب برای نحوه روابط اجتماعی در محیط‌های مختلف است.

### پیوند نماز با فیرفرواهی

امام حسن علیه السلام می‌فرماید: مادرم فاطمه زهرا علیها السلام در نمازشبش، مردان و زنان مؤمن را نام برده و برای آنان دعا می‌کرد، ولی برای خود هیچ دعایی نکرد.

۱. بحار، ج ۷۹، ص ۱۹۸.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۲۹.

هنگامی که دلیل آن را جویا شدم، فرمود: «الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ»<sup>۱</sup>، اول همسایه، سپس اهل خانه.

در تاریخ آمده است که امام حسین علیه السلام هنگام خداحافظی با خواهرش در کربلا، فرمود: خواهرم زینب، در نماز شب مرا فراموش نکن. «لا تنسینی فی نافلة اللیل».

### پیوند نماز با همسایگان

به همسایگان مسجد، حضور برای نماز جماعت، به طور ویژه سفارش شده است. اهمیت این حضور تا آنجاست که در حدیث می‌خوانیم: «لَا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي مَسْجِدِهِ»<sup>۲</sup> یعنی نماز همسایه مسجد جز در مسجد، ارزشی ندارد.

### پیوند نماز با عموم مردم

حضور در نماز جمعه، به همه اهالی یک شهر توصیه شده است. نماز جمعه، قبل از هر چیز یک عبادت بزرگ دسته جمعی است و اثر عمومی عبادات را که تلطیف روح و جان و شستن دل از آلودگی‌های گناه و زدودن زنگار از قلب می‌باشد، در بردارد.

اما از نظر اجتماعی و سیاسی، یک کنگره عظیم هفتگی است که بعد از کنگره سالانه حج، بزرگ‌ترین کنگره اسلامی می‌باشد و به

۱. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۱۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۹۴.

همین دلیل در روایتی از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که نماز جمعه، حجّ کسانی است که قادر به شرکت در مراسم حجّ نیستند.

در حقیقت اسلام، به سه اجتماع بزرگ اهمیت می‌دهد: اجتماع روزانه که در نمازجماعت حاصل می‌شود، اجتماع هفتگی که در مراسم نمازجمعه است و اجتماع حجّ که در کنار خانه خدا و هر سال یک بار انجام می‌گیرد.

نقش نمازجمعه در این میان بسیار مهم است، به خصوص که یکی از خطبه‌های خطیب در نماز جمعه، ذکر مسائل مهم سیاسی و اجتماعی مورد نیاز مردم است.<sup>۱</sup>

### پیوند نماز با مسلمانان جهان

شرکت در مراسم حج و برپائی نماز در کنار خانه خدا به همه مسلمانان جهان، سفارش شده است. خانه خدا یادآور نمازجماعت سه نفری پیامبر اکرم، حضرت خدیجه و امام علی عَلَيْهِمَا السَّلَام می‌باشد و اکنون نمازجماعت میلیونی است.

خانه خدا ملک هیچ کس نیست، همه مردم در آنجا یکسانند و گویا به منزل خود آمده‌اند و از این رو نمازشان را می‌توانند چهار رکعتی بخوانند و گویا مسافر نیستند.

آری! در چهار مرکز، انسان مسافر می‌تواند نمازش را تمام بخواند:

۱. برگزیده تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۸۶.

مرکز الوهیت: مکه،

مرکز نبوت: مسجد ﷺ در مدینه،

مرکز ولایت: مسجد کوفه،

مرکز شهادت: حرم امام حسین علیه السلام.

این مراکز، همانند وطن و خانه همه مسلمانان است و می‌توانند نمازشان را تمام بخوانند.

### پیوند نماز با والدین

کسی که پدر و مادر خود، گرچه به او ظلم کرده باشند، نگاه خصمانه کند، خداوند نماز او را قبول نمی‌کند: «مَنْ نَظَرَ إِلَىٰ أَبِيهِ نَظَرَ مَاقَتٍ وَهُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً»<sup>۱</sup>.

در اسلام، نماز قضای والدین بر عهده فرزند بزرگتر است و این دستور منطقی و عادلانه است، زیرا اول اینکه فرزند بزرگ از والدین بهره بیشتری برده و خدمات بیشتری را دریافت کرده است،

دوم اینکه زمان‌های بیشتری با آنها انس داشته است،

سوم اینکه به طور طبیعی انسان از فرزند بزرگترش توقع بیشتری دارد.

چنانکه باید برادران و خواهران به فرزند بزرگتر احترام بیشتری بگذارند. در حدیث می‌خوانیم احترام فرزند بزرگتر مثل احترام پدر

بر سایرین لازم است، چهارم اینکه بعضی از اموال پدر، مخصوص فرزند بزرگ تر است.

### پیوند نماز با فرزندان

در قرآن و روایات بارها سفارش شده که نسبت به نسل و فرزندان خود حساس باشید. به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

در قیامت، بهشتیان در گفتگوی خود می‌گویند: ما در دنیا نسبت به اهل خود نگران و مشفق بودیم: «قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ»<sup>۱</sup>، از این بیم داشتیم که فرزندان و خانواده ما راه خطا پیش گیرند و در وادی ضلالت، گمراه و سرگردان شوند.

حضرت ابراهیم از خداوند می‌خواهد که خود و فرزندان و ذریه او اقامه کننده نماز باشند: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي»<sup>۲</sup>

در عمل هم خانواده خود را در کنار کعبه که منطقه بی آب و گیاه است، برای اقامه نماز مسکن داد و فرمود: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ»<sup>۳</sup>

جالب اینکه تمام مردم که به مکه می‌روند، برای حج و عمره می‌روند، اما بنیان‌گذار مکه، برای اقامه نماز به آنجا رفت.

۱. طور، ۲۶.

۲. ابراهیم، ۴۰.

۳. ابراهیم، ۳۷.

خداوند به پیامبر فرمان می‌دهد که خانواده‌اش را به نماز فرمان دهد و در این کار استقامت کند: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»<sup>۱</sup> در روایات می‌خوانیم: فرزندان خود را قبل از رسیدن به سن تکلیف گام به گام با نماز آشنا کنید.

دعوت فرزندان به نماز باید منطقی و همراه با مهربانی و تشویق باشد و از تمام جاذبه‌ها استفاده کنیم.

اگر اهل مساجد ما با لباس خوب و بوی خوش و اخلاق نیکو به مسجد بروند،

اگر نماز ما طولانی و خسته کننده برگزار نشود،

اگر مؤذّن خوش صدا و امام جماعت خوش قرائت باشد،

و اگر هر روز مردم از امام جماعت حرف تازه‌ای بشنوند،

در چنین مسجدی، نسل نو حاضر و به طور طبیعی نماز را یاد

می‌گیرند، همان‌گونه که ماهی در فضای دریا شنا را یاد می‌گیرد.

البته والدین باید در آموزش نماز به فرزندان خود به واجبات اکتفا

کنند و تشویق و هدایا و لطف خود را بر اساس نماز قرار دهند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند: نماز را در خردسالی به فرزندان

خود بیاموزید و هنگامی که به هشت سالگی رسیدند، نماز را از آنها

مطالبه کنید. «عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ الصَّلَاةَ وَخُذُوهُمْ بِهَا إِذَا بَلَغُوا ثَمَانِي سِنِينَ»<sup>۲</sup>

۱. طه، ۱۳۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۰.

### پیوند نماز با همسر

هرکس به مکه رود و اعمال حج یا عمره را انجام دهد، اما طواف نساء و نماز آن را به جا نیاورد به همسر خود حرام است و با هیچ کسی نیز نمی‌تواند ازدواج کند. بنابراین این نماز راه بازگشت به مدار خانواده است.

### پیوند نماز با تولد

در اسلام سفارش شده است در گوش راست نوزاد، اذان و در گوش چپ او اقامه بگوئید که جملات «حیّ علی الصلاة» و «حیّ علی الفلاح» در اولین ساعات تولد به گوش نوزاد برسد.

### پیوند نماز با مرگ

اسلام به قدری بر مسأله نماز پافشاری و اصرار دارد که حتی بعد از مرگ، واجب کرده است که بر میت نماز گذارده شود و اگر میت را بدون نماز دفن کردند، بر قبر او نماز گذارده شود و حتی اجازه داده که از برخی شروط نماز مانند طهارت، وضو یا غسل، پاکی بدن یا لباس نمازگزار صرف نظر شود، ولی نماز بر میت اقامه شود.



### پیوند نماز با محتضر

محتضر کسی است که در حال جان دادن می‌باشد. از جمله سفارش‌هایی که برای انسان در حال احتضار شده، این است که او را به محل اقامه نمازش منتقل کنید.

از این مطلب معلوم می‌شود بین جان دادن و مکانی که انسان در حال سلامتی نماز خوانده، رابطه‌ای است. البته این رابطه‌ها را تنها خالق هستی می‌داند و معلوم می‌شود کار خوب، حتی در جمادات اثر می‌گذارد و جمادات در انسان‌ها تأثیرگذار بوده نقش آفرینند.

### پیوند نماز با هدایت شدگان

در نماز از خداوند تقاضای هدایت و همراهی با هدایت شدگان می‌کنیم: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ».

مراد از نعمت در «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»، نعمتِ هدایت است. زیرا در آیه‌ی قبل سخن از هدایت است، علاوه بر آنکه نعمت‌های مادی را کفّار و منحرفین و دیگران نیز دارند. البته هدایت شدگان نیز در معرض خطرند و باید دائماً از خدا بخواهیم که مسیر ما، به غضب و گمراهی کشیده نشود.

این آیه راه مستقیم را، راه کسانی معرفی می‌کند که مورد نعمت الهی واقع شده‌اند و عبارتند از: انبیا، صدیقین، شهدا و صالحین.<sup>۱</sup>

توجه به راه این بزرگواران و آرزوی پیمودن آن و تلقین این آرزو، انسان را از خطر کجروی و قرار گرفتن در خطوط انحرافی باز می‌دارد.

همان گونه که در سوره حمد پیمودن راه کسانی را می‌خواهیم که مورد لطف و نعمت خداوند واقع شده‌اند، در سلام نماز نیز به افراد صالح در هر زمان و مکانی سلام می‌کنیم و این نشان دهنده ارزش و احترام دین اسلام برای خوبان و دعوت به محبت آنان است.

### پیوند نماز با برائت از مفضوبین

در نماز علاوه بر هدایت‌خواهی از خداوند، تقاضای جدایی از غضب شدگان را داریم: «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ». در قرآن، افرادی همانند فرعون و قارون و ابولهب و امتهایی همچون قوم عاد، ثمود و بنی اسرائیل، به عنوان غضب‌شدگان معرفی شده‌اند.

در آیات متعددی از قرآن ویژگی‌ها و مصادیق آنها بیان شده است که برای نمونه به یک مورد اشاره می‌کنیم:

بنی اسرائیل که داستان زندگی و تمدن آنها بارها در قرآن بیان شده است، زمانی بر مردم روزگار خویش برتری داشتند: «فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»<sup>۱</sup> لکن بعد از این فضیلت و برتری، دچار قهر و غضب

خداوند شدند: «وَبَاؤُ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ».<sup>۱</sup> این تغییر سرنوشت، به علت تغییر در رفتار و کردار آنان بود؛ دانشمندان یهود، دستورات و قوانین آسمانی تورات را تحریف کردند، «يَحْرَفُونَ الْكَلِمَ»<sup>۲</sup> و تجار و ثروتمندان آنان نیز به ربا و حرام‌خواری و رفاه‌طلبی روی آوردند، «أَخَذِهِمُ الرَّبُّ»<sup>۳</sup> و عامه مردم نیز در برابر دعوت به جهاد و مبارزه، از روی تن‌پروری و ترس، از رفتن به جبهه نبرد و فرمان ورود به سرزمین مقدس، سر باز زدند. «فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»<sup>۴</sup> به خاطر این انحرافات، خداوند آنان را از اوج عزت و فضیلت، به نهایت ذلت و سرافکنندگی مبتلا ساخت.

ما در هر نماز، از خداوند می‌خواهیم که مانند غضب‌شدگان نباشیم. یعنی نه اهل تحریف آیات و نه اهل ربا و نه اهل فرار از جهاد در راه حق.

همچنین از گمراهان نباشیم، آنان که حق را رها کرده و به سراغ باطل می‌روند و در دین و باور خود غلو و افراط کرده و یا از هوی و هوس خود و یا دیگران پیروی می‌کنند.

---

۱. بقره، ۶۱.

۲. نساء، ۴۶.

۳. نساء، ۱۶۱.

۴. مائده، ۲۴.

### پیوند نماز با برائت از گمراهان

در نماز همچنین از خداوند تقاضای جدایی از گمراهان را داریم. «ضلالت» که حدود دویست مرتبه در قرآن آمده؛ گاهی در مورد تحیّر بکار رفته، «وَوَجَدَكَ ضَالًّا»<sup>۱</sup> و گاهی به معنای ضایع شدن، «أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ»<sup>۲</sup> ولی بیشتر به معنای گمراهی است و همراه با تعبیرات گوناگونی نظیر: «ضَلَالٍ مُّبِينٍ»، «ضَلَالٍ بَعِيدٍ»، «ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ» به چشم می‌خورد.

در قرآن نام برخی به عنوان گمراه کننده آمده است، از قبیل: ابلیس، فرعون، سامری، دوست بد، رؤسا و نیاکان منحرف. گمراهان خود بستر و زمینه‌ی انحراف خویش را فراهم کرده و گمراه کنندگان از این بسترها و شرایط آماده، استفاده می‌کنند. بسترهای انحراف در قرآن عبارتند از: هوسها، گناهان، پذیرش ولایت باطل، جهل و نادانی.

### پیوند نماز با معماری

قرآن می‌فرماید: «وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً»<sup>۳</sup> این جمله معانی متعددی دارد؛ از جمله اینکه: خانه‌های خود را رو به قبله بسازید. چنانکه سفارش شده است در خانه، محلّی را مخصوص نماز قرار دهید.

۱. ضحی، ۷.

۲. محمّد، ۱.

۳. یونس، ۸۷.

قرآن می‌فرماید: خداوند اولین مکان زمین را برای نماز قرار داد: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَكَّةَ مُبَارَكًا»<sup>۱</sup>.

شاید بتوان گفت: در طول تاریخ مهم‌ترین و زیباترین و محکم‌ترین و بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین ساختمان‌ها، آنهایی است که به نحوی با عبادات مردم پیوند داشته است، خواه بتخانه یا کنیسه یا کلیسا باشد و یا مسجد.

هنگامی که برای یادمان اصحاب کهف بعضی پیشنهاد کردند بر مزارشان ساختمان ساخته شود، قرآن می‌فرماید: فرهیختگان پیشنهاد کردند که اگر بناست ساختمان ساخته شود، بهتر است مسجدی ساخته شود: «قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَسْجِدًا»<sup>۲</sup>.

### ﴿ پیوند نماز با طبیعت ﴾

نماز آیات که به هنگام خورشید گرفتگی، ماه گرفتگی، زلزله و امثال آن خوانده می‌شود، نشان آن است که امور هستی تحت سیطره خداوند است.

جالب اینکه در نماز عید قنوت‌ها تکرار می‌شود و در نماز آیات رکوع‌ها تکرار می‌شود. شاید به خاطر آن که در عید می‌خواهیم از خداوند عیدی بگیریم، لذا دست‌ها را بلند کرده و خواسته‌های خود

۱. آل عمران، ۹۶.

۲. کهف، ۲۱.

را طلب می‌کنیم، ولی در نماز آیات چون شبیه حوادث قیامت را می‌بینیم، با رکوع و تواضع، از خداوند طلب مغفرت می‌کنیم.

### ﴿ پیوند نماز با زمان و مکان ﴾

اسلام برای بعضی زمان‌ها و مکان‌ها نمازهای ویژه‌ای قرار داده است، مانند نماز روز جمعه و عید فطر و قربان و همچنین نماز تحیت مساجد و نمازهای ویژه مساجد مقدّس.

خداوند به زمان‌های مختلف سوگند یاد کرده، مانند: سپیده دم («وَالْفَجْرِ»<sup>۱</sup>، صبح («وَالصُّبْحِ»<sup>۲</sup>، روز («وَالنَّهَارِ»<sup>۳</sup>، عصر («وَالْعَصْرِ» اما به سحر سه بار سوگند یاد شده است: «وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ»<sup>۴</sup>، «وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ»<sup>۵</sup>، «وَاللَّيْلِ إِذَا دُبِرَ»<sup>۶</sup> یعنی سوگند به شب هنگام تمام شدنش.

و در باره‌ی استغفار که بخشی از نماز شب است دو آیه آمده: «وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»<sup>۷</sup>، «الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ»<sup>۸</sup>.

همچنین بعضی نمازها به صورت روزانه، برخی هفتگی، برخی ماهانه و برخی دیگر سالیانه خوانده می‌شوند، برخی هنگام ترس و

۱. فجر، ۱.

۲. مدّثر، ۳۴.

۳. شمس، ۳.

۴. فجر، ۴.

۵. تکویر، ۱۷.

۶. مدّثر، ۳۳.

۷. ذاریات، ۱۸.

۸. آل عمران، ۱۷.

حوادث مانند نماز آیات و برخی به هنگام شادی مانند نماز شب زفاف و عروسی خوانده می‌شوند.

### ❁ پیوند نماز با مہرومان ❁

حضرت علی علیہ السلام در بین نماز انگشتر خود را به فقیر داد و حتی صبر نکرد تا نمازش تمام شود و بعد کمک کند.

بعضی می‌پرسند: توجه به فقیر در حال نماز و انگشتر دادن نشانه حواس‌پرتی نیست؟ پاسخ آن است که توجه از نماز به استمداد و کمک به فقرا، توجه از کار خدایی به کار خدایی دیگر است. زیرا در قرآن قرض دادن به مردم، قرض دادن به خدا می‌باشد: «مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللّٰهَ قرضًا حسنًا»<sup>۱</sup>

آنچه عیب و نقص محسوب می‌شود آن است که توجه انسان از کار خدایی به کار غیر خدایی باشد.

در قرآن کمک به فقرا در صدها آیه مطرح شده است؛ گاهی با لفظ زکات، گاهی با لفظ اعطا، گاهی با لفظ ایتاء، گاهی با لفظ صدقه، گاهی با لفظ قرض، گاهی با لفظ ایثار، گاهی با لفظ اطعام، گاهی با لفظ رحمت، گاهی با لفظ کفّاره، گاهی با لفظ انفاق و گاهی هم با لفظ فدیہ.

رسیدگی به فقرا در کنار غالب برنامه‌های دینی توصیه شده است:

در کنار نماز، پرداخت زکات.  
 در کنار جبران روزه خواری، اطعام شصت فقیر.  
 در مراسم قربانی حج، اعطای گوشت قربانی به فقرا.  
 در کنار شادی عید فطر، نان رسانی به فقرا.  
 در عید قربان، گوشت رسانی به فقرا.  
 در جهاد، اختصاص بخشی از غنائم به فقرا.  
 در کفاره بعضی از گناهان، سیر کردن فقرا تعیین شده است.

### پیوند نماز با مق الناس

در نماز باید لباس و مکان مباح باشد و غصبی نباشد.  
 اگر در هنگام نماز طلبکاری به انسان مراجعه کند و طلب خود را  
 بخواهد، لازم است ابتدا طلب او پرداخت شود و سپس به اقامه نماز  
 پردازیم و حتی اگر تأخیر در پرداخت برای طلبکار مشکل آفرین  
 باشد، می توان نماز را شکست و بدهی خود را پرداخت نمود.

### پیوند نماز با مقوق والدین

اگر والدین، امر به رفتن و یا نهی از رفتن به مسجد کردند، اطاعت  
 آنان واجب است. در واقع این اطاعت، اطاعت از فرمان خداوند  
 است که می فرماید: «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»<sup>۱</sup>



احسان به والدین، از صفات انبیاست، چنانکه قرآن در توصیف حضرت عیسی «بِرَّاً بوالِدَتِی»<sup>۱</sup> و در مورد حضرت یحیی «بِرَّاً بوالِدِیْهِ»<sup>۲</sup> فرموده است. البته والدین، تنها پدر و مادر طبیعی انسان نیستند، بلکه پیامبر اکرم ﷺ و امام علی علیه السلام نیز پدر امت محسوب می‌شوند: «أنا و علی أبوا هذه الامّة».<sup>۳</sup>

### پیوند نماز با مقوق همسر

اگر نماز مستحب با حق همسر منافات داشته باشد، اقامه آن جایز نیست.

در نماز مهم‌ترین موقعیت‌ها، سجده است. از جمله دعا‌های وارده در سجده آخر نماز، درخواست تأمین هزینه زندگی خود، همسر و خانواده است: «و ارزقنی و لعیالی».

همان‌گونه که در حال نماز که مهم‌ترین عبادت‌هاست، به خانواده توجه شده، در جایی دیگر از کنار خانواده، به خدا توجه شده است، آنجا که قرآن کریم می‌فرماید: «نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاتُوا حَرْثَكُمْ أَنِّی شِئْتُمْ وَ قَدَّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ».<sup>۴</sup> در این آیه که سخن از آمیزش و لذت جنسی است با جمله «قَدَّمُوا لِأَنفُسِكُمْ» ذهن‌ها را به

۱. مریم، ۳۹.

۲. مریم، ۱۴.

۳. بحار، ج ۱۶، ص ۹۵.

۴. بقره، ۲۲۳.

آینده نگری و قیامت متوجه می‌کند و به انسان می‌گوید؛ تو فقط غریزه و لذت و کامیابی نیستی، بلکه مأموریت تو فراهم کردن ساز و توشه برای قیامت است. راستی این چه مکتبی است که از سجده به سمت حقوق همسر و از همسر به سمت خدا و قیامت سوق می‌دهد. آیا انسان عادی می‌تواند این همه جامع نگر باشد؟ و آیا در برنامه‌ها و قوانین بشری این جامع نگری به چشم می‌خورد؟ همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: نماز برخی افراد قبول نمی‌شود، یکی از آنها زن نافرمان و ناشزه‌ای است که همسرش از او عصبانی باشد، «ثمانیة لا تقبل منهم صلاة.. و الناشز و زوجها ساخط علیها»<sup>۱</sup>.

### پیوند نماز با حقوق اطرافیان

سفارش شده است قبل از رفتن به مسجد پیاز نخورید تا کسانی که در اطراف شما هستند از بوی دهان شما ناراحت نشوند. به محل سجده فوت نکنید تا غبارش اطرافیان شما را آزار ندهد. اگر کسی سجاده‌ای در محلی پهن کرده، دیگری حق ندارد سجاده او را برداشته و خودش جای او نماز بخواند و اگر فرد اول راضی نباشد، نماز در محل غصبی است و اشکال دارد. اگر کودکی در مجلسی نشسته باشد، حتی بالاترین شخصیت هم حق ندارد او را بلند کند و جای او بنشیند.

### پیوند نماز با ازدواج

در اسلام سفارش شده که اگر کسی اهل مسجد و جماعت نیست و عملاً به عبادت و وحدت و امت، بدون عذر پشت پا می‌زند، او را بایکوت کرده و به عنوان همسر انتخاب نکنید. همین سفارش می‌تواند جوانان را به نماز تشویق کرده و مساجد را پر کند. زیرا کسی که بفمهد رها کردن مسجد و مسلمین به قیمت طرد عملی او از جامعه اسلامی تمام می‌شود، هرگز مساجد را رها نخواهد کرد. همچنین در فضیلت ازدواج و تشویق به این امر مهم در روایات آمده است: اگر انسان ازدواج کند، ثواب نمازش هفتاد برابر می‌شود.

### پیوند نماز با جمعیت

در ابتدای نماز با جملات «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»<sup>۱</sup> به نمایندگی از جمع دعا می‌کنیم و در انتهای نماز نیز با جمله «السلام علينا و علی عباد الله الصالحين» به جمعیت و جامعه اسلامی سلام می‌کنیم. هر مسجدی که جمعیت نمازگزارانش بیشتر باشد، نماز جماعت آن مسجد ثواب بیشتری دارد. اینکه در فرهنگ دینی بیان شده «ید الله مع الجماعة» تأکید دیگری بر این مطلب است.

## پیوند نماز با مشورت

از آنجا که اسلام دین جامع و کاملی است، لذا همه مسائل را با یک مهندسی خاص در کنار هم چیده است، مثلاً در سوره شوری مسائل عبادی و نماز را در کنار مسائل سیاسی و اجتماعی قرار داده است و می‌فرماید: مؤمنان هم نماز به پا می‌دارند و هم در امور خود اهل مشورتند: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»<sup>۱</sup>. بنابراین نمازگذاری که تنها به فکر خود تکیه کند و در رأی و اندیشه، استبداد داشته باشد، از نظر قرآن مردود است.

نکته جالب اینکه دستور مشورت، در آیه «و شاورهم فی الامر» زمانی بر پیامبر نازل شد که مسلمانان مورد هجوم کفار مکه واقع شده بودند. لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با اصحاب مشورت کردند که آیا به استقبال دشمنان برویم یا در کوچه‌های مدینه سنگر بگیریم. سرانجام با اینکه نظر پیامبر سنگر گرفتن در شهر بود، ولی به احترام رأی مردم به بیرون از شهر رفتند و در منطقه احد با دشمن جنگیدند که در نهایت شکست خوردند، اما خداوند می‌فرماید: این شکستی که در اثر مشورت بود، نباید تو را از مشورت با مردم باز دارد.

آری ارزش مشورت مهم‌تر از رسیدن به مطلوب است و مشورت لازم است، گرچه در مواردی به ناکامی کشیده شود.

### پیوند نماز با اخبار جهان

امام رضا علیه السلام فرمود: یکی از وظایف امام جمعه این است که مردم را نسبت به اخبار جهان آگاه کند: «وَيَخْبِرُهُمْ بِمَا وَرَدَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْأَفَاقِ»<sup>۱</sup>

### پیوند نماز با مفاظ ارزشها

در اسلام سفارش شده که در صف اول نمازجماعت کسانی بایستند که باتقواتر هستند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی امامجماعت باشد که بیشتر قرآن بخواند و یا قرائتش زیباتر باشد و اگر دو نفر در قرائت مساوی هستند، کسی امامجماعت شود که سابقه هجرتش (در راه دین) بیشتر است و اگر در آن نیز مساوی بودند، کسی مقدم شود که سنش بیشتر است و اگر در آن نیز مساوی بودند، کسی امام شود که نسبت به سنت داناتر و در دین فقیه‌تر باشد. اگر در خانه اقامه جماعت می‌شود، صاحبخانه مقدم است و اگر حاکم عادل باشد، او بر دیگران مقدم است: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ يَتَقَدَّمُ الْقَوْمَ أَقْرَأُهُمْ لِلْقُرْآنِ فَإِنْ كَانُوا فِي الْقِرَاءَةِ سَوَاءً فَأَقْدَمُهُمْ هِجْرَةً فَإِنْ كَانُوا فِي الْهِجْرَةِ سَوَاءً فَأَكْبَرُهُمْ سِنًا فَإِنْ كَانُوا فِي السِّنِّ سَوَاءً فَلْيُؤَمِّمُهُمْ أَعْلَمُهُمْ بِالسُّنَّةِ وَأَفْقَهُهُمْ فِي الدِّينِ وَلَا يَتَقَدَّمَنَّ أَحَدُكُمْ الرَّجُلَ فِي مَنْزِلِهِ وَلَا صَاحِبَ السُّلْطَانِ فِي سُلْطَانِهِ»<sup>۱</sup>.

۱. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۴۴.

۱. کافی، ج ۳، ص ۳۷۶.

### پیوند نماز با اعتماد سازی

در نمازجماعت گاهی امام یا مأموم در تعداد رکعات شک می‌کنند، در این موارد اسلام اجازه می‌دهد به همدیگر اعتماد کرده و شک خود را برطرف کنند. همان گونه که در پاکی لباس و مکان و حلال بودن امکانات و تشخیص قبله، به همدیگر اعتماد می‌کنند. اگر صاحب‌خانه گفت جهت قبله فلان سمت است، باید به گفته او اعتماد کرد. اگر مسلمانی گفت این فرش، لباس و مکان پاک است، باید به گفته او اعتماد کرد. اگر جمعیتی از مؤمنین را دیدیم که پشت سر شخصی به جماعت ایستاده‌اند، باید به آن جمعیت اعتماد و در نماز جماعت شرکت کنیم.

چنانکه اگر افرادی اهل نماز جماعت و مسجد هستند، می‌توانیم به گواهی و شهادت آنها در مسائل قضایی اعتماد کنیم.

### پیوند نماز با نظم

نماز، انسان را منظم می‌سازد، زیرا نمی‌توان در هر وقتی یا در هر مکانی یا با هر کلامی یا به هر سویی آن را انجام داد. همچنان که در نمازجماعت، انسان باید همراه با سایر نمازگزاران نه جلوتر و نه عقب‌تر آن را انجام دهد و این خود نوعی آموزش نظم است. اگر در رساله مراجع تقلید می‌خوانیم که ترتیب و موالات

از واجبات نماز است، شاید به این خاطر که این دو واجب انسان را روی فرم آورده و منظم می‌کند.

### پیوند نماز با صالحان

در جملات پایانی نماز به افراد صالح با جمله «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَيَّ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» سلام می‌کنیم.

در قرآن مجید افرادی به عنوان صالحان معرفی شده‌اند، از جمله: حضرت شعیب عَلَيْهِ السَّلَام هنگامی که خواست دختر خود را به ازدواج حضرت موسی درآورد، به وی گفت: اکنون که تو تحت تعقیب حکومت فرعون هستی و پناهگاهی نداری، نگران نباش، من یکی از دخترانم را به ازدواج تو در می‌آورم و کارگری تو را به جای مهریه می‌پذیرم و بنا ندارم بر تو سخت بگیرم و تو خواهی دید که من انشاء الله از صالحین هستم: «وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَمْسُقَ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ»<sup>۱</sup>.

از این آیه استفاده می‌شود: افرادی که به جوانی درباره ازدواج و انتخاب همسر کمک کنند و شغلی دهند و سخت‌گیری نکنند، از صالحان هستند و مشمول سلام تمام مسلمانان در نمازها می‌شوند، چون به چنین افرادی مشخصاً لقب صالح داده شده است.

آری، افرادی که با گوشه‌گیری از اجتماع، مشغول عبادت بوده و نه در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل حضور دارند و نه مشکلات

اقتصادی و اجتماعی دیگران را حل می‌کنند و به همان دعا و زیارت و خلوت خود چشم دوخته و خود را جزو صالحان می‌دانند، سخت در اشتباه هستند.

### پیوند نماز با آینده‌سازان تاریخ

در قرآن می‌خوانیم: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْتُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ»<sup>۱</sup> وارثان زمین، بندگان صالح خدا هستند، یعنی آینده جهان از آن مؤمنان واقعی است که به رهبری امام مهدی عجلایه خواهد بود. ما در هر نماز به این بندگان صالح درود می‌فرستیم. «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»

### پیوند نماز با مفظ آبرو

در حدیث می‌خوانیم: کسانی که با غیبت کردن آبروی یکدیگر را می‌ریزند، گرچه نمازشان باطل نیست، اما بی‌ارزش و غیر قابل قبول است. همچنین در روایات آمده است: کسی که غیبت کند تا چهل روز نمازش پذیرفته نمی‌شود.<sup>۱</sup>

در قرآن کریم، اقامه نماز همراه با خوش‌زبانی و گفتار نیکو آمده است: «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ».<sup>۲</sup>

۱. انبیاء، ۱۰۵.

۱. جامع الاخبار، ص ۴۱۲.

۲. بقره، ۸۳.



### پیوند نماز با اصلاح فرد و جامعه

قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»<sup>۱</sup>، نماز فرد و جامعه را از فحشا و منکر باز می‌دارد.

همان گونه که پوشیدن لباس سفید و تمیز انسان را از نشستن در جای نامناسب باز می‌دارد. لذا اگر فردی لباس سفید و تمیزی بپوشد، روی زمین آلوده نمی‌نشیند.

البته معنای «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» این نیست که نماز مانع از خلافکاری انسان است، زیرا قرآن نفرموده نماز مانع از انجام منکر است، بلکه می‌فرماید: نماز نهی می‌کند از فحشا و منکر که یا قبل از ارتکاب جرم انسان را نهی می‌کند و یا اگر خلافی کرد، نماز به او اخطار می‌دهد که تو گناه کرده‌ای باید توبه کنی و از تکرار آن خود را حفظ کنی، یعنی نماز یک زنگ خطر و هشدار است.

### پیوند نماز با دوستان خوب

دوستان مؤمن، انسان را به ایمان و نماز فرامی‌خوانند، ولی دوستان ناباب انسان را از نماز منحرف می‌کنند. قرآن می‌فرماید: افرادی در قیامت از شدت حسرت انگشت به دندان می‌گیرند که چرا با افراد ناباب رفیق شده‌اند و می‌گویند: «لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ»<sup>۱</sup> آن دوستان

۱. عنکبوت، ۴۵.

۱. فرقان، ۲۹.

ناباب ما را از ذکر خدا منحرف کردند. و بدون شک نماز بالاترین ذکر خداست: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»<sup>۱</sup>

در حدیث می‌خوانیم: کسانی که اهل مسجد هستند به هشت ارزش و فضیلت دست پیدا می‌کنند، یکی از آنها، آشنایی با دوست و برادر ایمانی خوب است: «مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ؛ أَخًا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ وَ...»<sup>۲</sup>

در واقع مسجد بهترین مکان برای دوست‌یابی خوبان می‌باشد.

### ﴿ پیوند نماز با عفاف و محاب ﴾

خداوند به زنان پیامبر می‌فرماید: «وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَ أَقِمْنَ الصَّلَاةَ»<sup>۳</sup>، همچون دوران جاهلیت تبرج و جلوه‌گری نکنید و نماز را به پا دارید.

زنان باید به هنگام نماز پوشش کامل داشته باشند، با اینکه خداوند به همه محرم است. زیرا پوشش کامل برای انسان یک شأن و مقام و ارزش است. در تمام دنیا اگر کسی بخواهد ملاقاتی با مقام مهمی داشته باشد، لباس کامل و مناسب پوشیده و به ملاقات او می‌رود. علاوه بر زنان، به مردان نیز سفارش شده است که با لباس کامل به نماز بایستند.

۱. طه، ۱۴.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۹۷.

۳. احزاب، ۳۳.

آری برهنگی، یک نوع بی حرمتی به خود و حراج کردن شخصیت خود است. زنان با حجاب برای خود ارزش قائل شده با زبان حال می‌گویند: هرکسی حق ندارد به ما نگاه کند، و از ما کام بگیرد.

### پیوند نماز با حضور زنان در جامعه

قرآن می‌فرماید: خانه خدا برای همه مردم، (چه زن و چه مرد) بنا شده است: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِنَاءَ مَبَارَكًا»<sup>۱</sup> از حضور زنان در مسجد الحرام و انجام مراسم حج می‌فهمیم که زنان در اجتماعات مهم باید حضور جدی داشته باشند، چنانکه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در دفاع از حق، در مسجد خطبه خواند.

در حدیث می‌خوانیم: اگر زنی برای رفتن به مسجد از شوهرش اجازه خواست، مانع نشوید: «إِذَا اسْتَأْذَنَتْ أَحَدَكُمْ امْرَأَتُهُ إِلَى الْمَسْجِدِ فَلَا يَمْنَعُهَا»<sup>۱</sup>. جالب آنکه حتی زمانی که زنان مورد مزاحمت قرار می‌گیرند، دستور خانه نشینی نیامده، بلکه به طرح‌های مصونیت آفرین سفارش شده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»<sup>۲</sup>، ای پیامبر، به زنان و دختران خود و زنان مؤمنین

۱. آل عمران، ۹۶.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۶.

۲. احزاب، ۵۹.

بگو که پوشش‌هایشان را بر خود بپیچند که این کار سبب می‌شود به پاکی و عفت شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند.

زمانی که خدیجه کبری و حضرت علی عَلَيْهِمَا السَّلَام به پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اقتدا می‌کردند و در مسجدالحرام نماز جماعت ۳ نفری برپا می‌داشتند، مشرکان مکه این صحنه را می‌دیدند و تماشاگر بودند. ابن ابی عوف در سوگواری همسرش می‌گفت: او برای ساختن مسجد قبا، سنگ جمع می‌کرد و ما روزها کار می‌کردیم. البته زنان و مردان حق ندارند مختلط با همدیگر نماز بخوانند، بلکه باید با وجود فاصله و مانعی به نماز بایستند.

### پیوند نماز با امنیت زنان

در رساله‌های احکام می‌خوانیم: نماز مرد در خانه‌ای که زن نامحرم در آنجاست و کسی نمی‌تواند وارد شود، مشکل دارد. زیرا خلوت کردن زن و مرد در مکانی در بسته، بستری برای وسوسه‌های شیطانی و زمینه‌ای برای گناه است.

### پیوند نماز با زینت

با اینکه لباس ابریشمی و استفاده از طلا برای مردان حرام شده، لکن برای زنان جایز است، زیرا آرایش به زیورآلات، در جنس زن عجین شده و اسلام چون براساس فطرت است با آن مخالف نیست.

### پیوند نماز با وحدت و محبت و برادری

توده‌های متراکم، نمازگزار، در کنار هم با یک صدا حاضر و با یک تکبیر وارد نماز شده و با یک سلام همه با هم از نماز خارج می‌شوند. ارتباط همه با امام جماعت یکسان، همه به یک سو، با یک شعار، با هم به رکوع و سجود می‌روند، همه دعا می‌خوانند، با هم از امام جماعتی واحد پیروی می‌کنند، نه از اشرافیگری در صفوف نمازگزاران خبری است، نه از نژاد، نه از مقام و عنوان و نه جایگاه اجتماعی. همه این موارد موجب ایجاد یگانگی و محبت و برادری در میان نمازگزاران می‌شود.

اسلام اجازه نمی‌دهد بین صفوف فاصله زیاد باشد و باید به نحوی باشد که افراد شانه به شانه هم بایستند و بین آنها فضای خالی و یا مانعی نباشد.

### پیوند نماز با حضور به موقع

نماز جماعت به انسان می‌آموزد که در فاصله چند دقیقه همه باید در یک جا حاضر شوند و اگر مسیر کسی دور است باید زودتر حرکت کند تا خود را به جماعت برساند. این حضور به وقت، یک تمرین برای وقت شناسی و حضور به موقع است. در حدیث آمده است: حضرت موسی از خداوند پرسید: پاداش کسی که نماز خود را اول وقت بخواند چیست؟

خداوند فرمود: دعایش را مستجاب می‌کنم.  
 در حدیث دیگری می‌خوانیم: به کسی که بر زمان اول وقت  
 نمازهای خود مداومت و مراقب نماید، در لحظه مرگ شهادتین  
 تلقین شده و ابلیس از او دور می‌شود.  
 در حدیث دیگری آمده است: محافظت بر اوقات نماز را از  
 خروس یاد بگیرید.

### پیوند نماز با برکات مسجد

گرچه مسجد برای نماز ساخته می‌شود، ولی برکات مسجد تنها  
 مخصوص نماز نیست. امر به معروف، نهی از منکر، تبلیغ و آموزش  
 دین کمک به جبهه‌ها و یافتن دوست، کسب اطلاعات جدید و  
 شناسایی افراد، به صورت طبیعی و بدون تشریفات، حذف امتیازات  
 موهوم، تجلیل از بزرگان دین و زنده نگه داشتن آثار و افکار آنان،  
 حمایت از رهبر مسلمین، کمک‌های مالی به فقرا و کمک‌های علمی  
 به عموم مردم در مسجد انجام می‌شود: «مَنْ اِخْتَلَفَ اِلَى الْمَسَاجِدِ  
 اَصَابَ اِحْدَى الثَّمَانِ اَخَا مُسْتَفَادًا فِي اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ اَوْ عَلِمًا مُسْتَطَرَفًا اَوْ آيَةً  
 مُحْكَمَةً اَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً اَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَن رَدْيٍ اَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَيَّ  
 هُدًى اَوْ يَتْرُكُ ذَنْبًا خَشِيَةً اَوْ حَيَاءً»<sup>۱</sup>.

### پیوند نماز با جذب حداکثری

در کارهای گروهی نباید کسانی که تأخیر کرده‌اند به کلی محروم شوند بلکه باید آنان را نیز شریک کرد ولی وظایف خاصی را به گردن آنان گذاشت. اگر کسانی به رکعت اول نماز جماعت نرسیدند می‌توانند در سایر رکعات به نماز ملحق شوند و آنگونه که در رساله مراجع تقلید گفته شده، عمل کنند تا از این فیض عمومی محروم نشوند.

### پیوند نماز با مدیریت

بخشی از توفیقات هر گروهی مربوط به مدیر آن گروه است. اگر مدیر منظم، عادل، خوش اخلاق، پاسخگو، دانشمند، محبوب، مهربان، دارای لحنی زیبا، خوشبو، در کارهای خیر پیشگام و در رفتار و گفتار صادق باشد، اینچنین مدیری در هر کاری توفیقش از کسانی که فاقد برخی از این صفات می‌باشند، بیشتر است.

این صفات در امام جماعت، برخی به عنوان شرط صحت و برخی به عنوان شرط کمال قرار داده شده است و لذا می‌توان گفت نماز با تمام مؤلفه‌های مدیریت و شرایط و صفات و توفیق یک مدیر عجیب و هماهنگ شده است.

همان گونه که گاهی به خاطر برخی از صفات زشت مدیر، جمع و گروه متلاشی و یا ناکارآمد می‌شود که در این موارد باید مدیر را

تغییر یابد، در نماز نیز در شرایطی که در رساله‌های عملیه آمده، انسان نباید پذیرای امام جماعتی باشد که به خاطر صفات ناروا، از جمعیت نمازگزاران کاسته و از رونق نماز کم می‌کند.

### پیوند نماز با تعاون و مشارکت

شریک کردن دیگران در کارهای خیر، از عوامل الفت جامعه است. حتی در نماز جماعتی که در میدان جنگ و در حالت خوف از دشمن خوانده می‌شود، دو رکعت نماز جماعت میان دو گروه رزمندگان تقسیم شده تا تبعیضی پیش نیاید و همه در این خیر شریک باشند.<sup>۱</sup> (برای چگونگی تقسیم شدن دو رکعت نماز در جبهه میان دو گروه به آیه ۱۰۲ سوره نساء و تفسیر آن مراجعه فرمایید).

یکی از مشکلات بعضی از مساجد آن است که امام جماعت سالمند یا بیمار بوده و حوصله لازم را برای برقراری ارتباط با مأمومین جوان را ندارد. در اینگونه موارد باید ائمه جماعتی که در اثر کهولت سن توانایی لازم را ندارند، یا مهارت تبلیغ و کلاس‌داری و یا فرصت مطالعه ندارند، از روحانیون جوان بهره بگیرند و اداره مسجد را با مشارکت آنان انجام دهند. روحانی سالمند، امام جماعت شود و روحانی جوان تازه نفس، مسئول تعلیم و تفقد و برقراری ارتباط باشد. این سخن را می‌توان از آیات قرآن نیز استفاده کرد



آنجا که خداوند حضرت موسی را مأمور تبلیغ می‌کند و او می‌گوید چون هارون فن بیان بهتری دارد، او را شریک من در این مأموریت قرار بده: «وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِ هَارُونَ أَخِي... وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي» و سپس می‌فرماید نتیجه این مشارکت این است که تسبیح و ذکر تو بیشتر می‌شود: «كِي نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا».<sup>۱</sup>

آری اگر بتوانیم با شریک کردن افرادی، موجب کثرت نمازگزاران در مسجد بشویم، تسبیح و ذکر خدا بیشتر خواهد شد، پس گاهی لازم است در کارها شریک بگیریم.

این شرکت تنها در اداره مسجد نیست، بلکه در بسیاری از کارهای خیر اگر سلیقه‌های مختلف با همدیگر شریک شوند و تقسیم کار بر اساس تخصص‌ها و لیاقت‌ها و ظرفیت‌ها و ذوق‌ها و استعدادها و گرایش‌ها باشد، شرکت افراد متعدد، انواع سلیقه‌ها را جمع و کار نیز با رونق بیشتری صورت خواهد گرفت.

### پیوند نماز با مراعات افراد ضعیف

در نماز جماعت باید مراعات ضعیف‌ترین افراد را نمود. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در نامه‌اش خطاب به مالک اشتر می‌نویسد که در برپایی نماز جماعت باید مراعات حال ضعیف‌ترین مأمومین را داشته باشی و این نصیحت را از قول پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگامی که آن

حضرت را برای تبلیغ به یمن فرستاده بودند، برای او نقل می‌کنند:  
 «وَقَدْ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ حِينَ وَجَّهَنِي إِلَى الْيَمَنِ كَيْفَ أُصَلِّي بِهِمْ؟ فَقَالَ:  
 صَلِّ بِهِمْ كَصَلَاةِ أَعْزَمِهِمْ»<sup>۱</sup>.

### پیوند نماز با دوری از تجمّلات

همان گونه که نمازگزار حق ندارد از لباس ناپاک، غصبی، از اجزای مردار، از حیوان حرام گوشت استفاده کند، همچنین حق ندارد از لباسی که از ابریشم خالص بافته شده و یا از طلا استفاده کند. این مطلب نشان دهنده این است که در نماز از تجمّلات باید دوری کرد. البته چنانکه قبلاً گفتیم در خصوص زنان که زینت کردن امری طبیعی برای آنان است، اشکالی ندارد.

### پیوند نماز با وقار

پیامبر اکرم ﷺ شخصی را دیدند که سجده‌های خود را ناتمام و سریع انجام می‌داد، فرمودند: سجده او مثل نوک زدن کلاغ به زمین است و اگر این شخص با این وضعیت و با این نماز از دنیا برود، بر غیر دین من از دنیا رفته است: «لَئِنْ مَاتَ هَذَا وَهَكَذَا صَلَّاتُهُ لَيَمُوتَنَّ عَلَيَّ غَيْرِ دِينِي»<sup>۱</sup>.

۱. نهج البلاغه، نامه ۱۷.  
 ۱. کافی، ج ۳، ص ۲۶۹.

### پیوند نماز با واقعیت‌ها

نمازگزار مسافر نمازهای چهار رکعتی خود را دو رکعتی می‌خواند. شاید بتوان گفت دلیل آن این است که در سفر به طور طبیعی برای انسان مشکلاتی دارد که اقتضای تخفیفی از طرف خداوند را به دنبال دارد.

حتی در وطن نیز نماز جمعه دو رکعت معین شده و این به خاطر آن است که نماز جمعه دارای دو خطبه است، که گوش دادن به آنها تکلیف است. لذا خداوند دو رکعت از نماز جمعه کاسته است تا تخفیف و جبرانی بر آن تکلیف باشد: «وَإِنَّمَا جُعِلَتِ الْجُمُعَةُ رُكْعَتَيْنِ مِنْ أَجْلِ الْخُطْبَتَيْنِ جُعِلَتَا مَكَانَ الرُّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ»<sup>۱</sup>.

همچنین روزی که نماز عید با نماز جمعه تقارن پیدا می‌کند، تنها نماز عید کفایت می‌کند و لازم نیست که مردم در یک روز دو بار به مصلاهی نماز بیایند. نمونه دیگر آنجاست که دعای لحظه افطار که انسان گرسنه است، یک سطر بیشتر نیست، ولی برای سحر دعاهای طولانی و چند صفحه‌ای تعیین شده است. برای زیارت اولیای خدا نیز از سلام مختصر تا زیارت جامعه کبیره مطرح است تا هر انسانی مطابق حوصله و نشاط و فرصتی که دارد، استفاده کند و هیچ کس از این خیر و فضیلت محروم نشود.

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۱۶.

نمونه دیگر این انعطاف‌ها را در نماز نافله شب می‌بینیم که هم می‌توان ۱۱ رکعت حتی بدون سوره در چند دقیقه خواند و هم می‌توان تنها در رکعت آخر آن به ۴۰ مؤمن دعا کرد و ۷۰ مرتبه استغفار نمود و با ۳۰۰ بار کلمه «العفو» از خداوند تقاضای عفو نمود، هم می‌توان بعضی رکعات را ایستاده و بعضی را نشسته خواند، هم می‌توان بعضی رکعات را سحر و بعضی دیگر را بعد از طلوع فجر خواند.

تمام این اجازه‌ها برای آن است که نماز و رابطه با خدا تنها مخصوص افراد عارف و فارغ با حوصله نباشد، بلکه برای افراد عادی و کم حوصله نیز تدبیر و برنامه‌ای لازم است تا محروم نباشند.

### پیوند نماز با نظافت

خداوند به دو پیامبر خود، حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل، دستور می‌دهد برای خدمت به زائران خانه خدا که برای طواف و اعتکاف به مکه می‌آیند، مسجدالحرام را تطهیر و آماده کنند.

عبادت و نماز به قدری مهم است که ابراهیم و اسماعیل عليهما السلام برای انجام مراسم آن مأمور نظافت خانه خدا می‌شوند: «طَهَّرَا بَيْتِي»<sup>۱</sup>.

### ﴿ پیوند نماز با دوری از تملق ﴾

انسان در نماز خداوندی را حمد و سپاس می‌کند که خالق تمام هستی است، سرچشمه تمام رحمت‌ها و برکات است، مالک روز قیامت است.

زبانی که ثناگوی خالق هستی شد، دیگر تن به ثناگویی هر نالایقی نمی‌دهد. امام حسین علیه السلام فرمود: کسی که وصل به پیامبر صلی الله علیه و آله باشد و از دامن زهرا علیها السلام برخاسته باشد، بیعت یزید را نخواهد پذیرفت. دیگران چه و که هستند و چه قدرتی دارند که من ثناگوی آنها باشم؟ به خصوص که می‌دانم اگر ظالمی ستایش شود عرش خداوند به لرزه در می‌آید.

آری، ثنای او، چنان روح بزرگی به ما می‌دهد که دیگر حاضر به ثنای دیگران نمی‌شویم و این روح بزرگ را از نماز و حمد می‌توان تحصیل کرد. حیف که ما با توجه نماز نخوانده‌ایم و مزه نماز را نچشیده‌ایم.

### ﴿ پیوند نماز با زندانیان ﴾

در اسلام سفارش شده است که در روز جمعه حتی زندانیان را برای شنیدن خطبه‌های نماز جمعه حاضر کرده و سپس آنها را به زندان باز گردانید. در این دستور برکاتی است: برای زندانیان تفریح و استراحت است، آگاهی آنان بالا می‌رود، عظمت و اجتماع بزرگ

مومنان و نمازگذاران را می‌بینند، بر رفتار خود پشیمان شده و نادام می‌شوند، و مردم با دیدن ایشان متنبه شده و درس عبرت می‌گیرند و از میزان و آمار جرم و فساد در جامعه آگاه می‌شوند.

### پیوند نماز با تمرکز

نماز در گوشه نشستن و ذکر خدا گفتن نیست، بلکه در مقدمات نماز و خود نماز دستورات، وظایف و اعمالی است که در همه آنها نوعی تحرک به چشم می‌خورد.

در روایات برای هر گامی که برای نماز برداشته می‌شود پاداشی بیان شده است.

نماز با جملات «حَى عَلَى الصَّلَاةِ» که به معنای شتاب و حرکت است و با جمله «فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ»<sup>۱</sup> و «بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ اقوم و اقعده» که در آن حرکت است و با قیام و قعود و رکوع و سجود و بلند کردن دست‌ها انواع تحرک‌ها و جنب و جوش‌ها را می‌بینیم.

کوتاه سخن آنکه اسلام طرفدار تحرک و مخالف رکود است، خواه رکود طبیعت، خواه رکود سرمایه و خواه رکود علم و لذا در نماز که مهم‌ترین عبادت است انواع تحرک‌ها را مشاهده می‌کنیم.

این همه ثواب برای نماز جماعت، در سایه حرکت به سمت مسجد به دست می‌آید. ثواب اقتدا کردن یک نفر به یک نفر را ۱۵۰

برابر دانسته تا انسان را از خانه و رکود بیرون آورد و به مسجد و جمع متصل کند.

### پیوند نماز با جماعت

نماز، زمانی ارزش والایی دارد که در مسجد و با جماعت اقامه شود و به تعداد هر فردی که به این جماعت اضافه شود، پاداش نماز بیشتر می‌شود تا آنکه تعداد نمازگزاران به بیش از ۱۰ نفر برسد، که در این هنگام جز خداوند هیچ کس نمی‌تواند ثواب چنین نمازی را حساب کند.

به یک مثال توجه کنید: هر انگشتی در کنار انگشت دیگر قرار گیرد، کارایی آن اضافه می‌شود، ولی هنگامی که تعداد انگشتان به ۱۰ برسد، نمی‌توان تعداد کارایی آنها را به حساب آورد. یعنی هیچگاه انسانی پیدا نشده که بگوید کاری برای من پیش آمد که نیاز به ۱۱ انگشت داشتم. نماز جماعت نیز اینگونه است به ۱۰ نفر که می‌رسد، ثوابش بی‌حد و بی‌شمار است.

### پیوند نماز با تشکیلات

چنانچه برای امام جماعت حالتی پیش آید که نتواند به نماز ادامه دهد، یکی از کسانی که پشت سر او هستند و شرایط امام جماعت را داراست، می‌تواند امامت را به عهده گیرد و این نشانگر آن است

که برنامه‌های اسلامی با رفتن یک فرد نباید بهم ریزد، بلکه باید تشکیلات و نظام چنان پایه‌گذاری و برنامه‌ریزی شود که هرگاه فردی رفت، نظام از هم نپاشد و تشکیلات همچنان پا بر جا باشد. مهم، تداوم راه است، هر چند پیشوا عذری پیدا کند.

در جنگ احد ندایی بلند شد که پیامبر کشته شده است. بعضی باور کرده و مأیوس شده و فرار کردند که در این هنگام آیه نازل شد: «أَفَرَأَيْتُم مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ»<sup>۱</sup> آیا اگر پیغمبر از دنیا برود یا شهید بشود شما باید به عقب بازگردید؟

نظام اسلامی باید از چنان تشکیلات و انسجام و برنامه‌ریزی و مدیریتی برخوردار باشد که حتی با مرگ یا شهادت رهبر نیز از هم نپاشد.

### ❁ بیوند نماز با کمک به محرومان ❁

یکی از برکات نماز در مساجد، امدادگری است. همیشه محرومان به مساجد روانه می‌شدند و مشکلات خود را با مردم در میان می‌گذاشتند و در آن مکان مقدس آن را حل می‌کردند. سابقه این کار از زمان رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده است و قرآن صحنه‌ای را نقل می‌کند که فقیری وارد مسجد شد و از مردم استمداد کرد. کسی به او توجهی نکرد و فقیر با ناله به خداوند حال خود را گفت.



حضرت علی علیه السلام مشغول نماز بود و این صحنه را متوجه شد، به فقیر اشاره کرد و او جلو آمد و حضرت در حال رکوع انگشتر خود را به او داد، آیه نازل شد که: سرپرست شما فقط خداوند و پیامبرش و کسانی هستند که در حال رکوع انفاق و به فقرا رسیدگی می‌کنند: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاغِبُونَ»<sup>۱</sup>.

همین که مردم آیه را شنیدند به مسجد آمدند تا ببینند این آیه درباره چه کسی نازل شده است. فهمیدند که مورد آیه شخص علی بن ابیطالب علیه السلام است. به هر حال، امداد رسانی به جبهه‌های جنگ و کمک به فقرا از مسجد، در سایه برکات نماز بوده و خواهد بود.

مسلمین از پایگاه مساجد به جبهه می‌رفتند، انقلاب اسلامی ایران هم از مساجد شروع شد. در قرآن بارها نماز و انفاق، نماز و زکات، نماز و قربانی در کنار هم آمده و در حدیث می‌خوانیم: نماز کسی که زکات ندهد قبول نیست.

### پیوند نماز با محبوبیت اجتماعی

رسول خدا فرمودند: اگر مردم از امام جماعتی ناراضی باشند و او محبوب مردم نباشد و وجود او را با اکراه پذیرفته باشند، نمازش قابل قبول نیست. «و إمام قوم یصلی بهم و هم له کارهون»<sup>۱</sup>

### پیوند نماز با پاک‌پیشم و روح

خداوند به حضرت داوود فرمود: چه بسا نماز بنده‌ام را به صورتش پرتاب می‌کنم و نمی‌گذارم صدایش به من برسد. آیا می‌دانید این افراد چه کسانی هستند؟ آنها کسانی هستند که پیوسته به ناموس مردم نگاه بد می‌کنند و با خود می‌گویند: اگر قدرتی داشتم، گردن مردم را می‌زدم.<sup>۱</sup>

### پیوند نماز با اعتماد سازی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند به کسانی که نمازهای یومیه خود را به جماعت می‌خوانند، امید خیر داشته باشید: «مَنْ صَلَّى الْخَمْسَ فِي جَمَاعَةٍ فَظَنُّوا بِهِ خَيْرًا»<sup>۲</sup>

۱. المحاسن، ج ۱، ص ۱۲.

۱. بحار، ج ۸۴، ص ۲۵۷.

۲. کافی، ج ۳، ص ۳۷۱.

### پیوند نماز با مردم شناسی

امام صادق فرمودند: فلسفه نماز جماعت آن است که نماز خوان از غیر آن شناخته شود و حافظ نماز از ضایع کننده آن نیز شناخته شود. «إِنَّمَا جُعِلَ الْجَمَاعَةُ وَالْاجْتِمَاعُ إِلَى الصَّلَاةِ لِكَيْ يَعْرِفَ مَنْ يَصَلِّي مِمَّنْ لَا يَصَلِّي وَمَنْ يَحْفَظُ مَوَاقِيتَ الصَّلَوَاتِ مِمَّنْ يَضِيعُ»<sup>۱</sup>

### پیوند نماز با راه شناسی

انسان خودش را در بین راه‌های مختلف می‌بیند: خواسته‌ها و توقعات و آرزوهای درونی او را به سویی می‌کشد و انتظارات و هوس‌های مردم او را به سوی دیگری. وسوسه‌های شیطانی به سویی و راه‌های طاغوت‌ها به سویی دیگر. آداب و رسوم نیاکان به سویی و آداب و رسوم جدید به سویی دیگر.

در نماز انسان همه این راه‌ها را کنار می‌گذارد و دائم از خداوند راه مستقیم می‌خواهد که در قرآن این راه، راه خدا و انبیا و بندگی اوست.

راه خدا راهی ثابت، واحد، مطمئن و شکست ناپذیر است در حالی که راه‌های دیگر هم ثابت نیست و هم متعدد است و هم غیر قابل اطمینان و شکست پذیر.

### پیوند نماز با اذان

امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند: مؤذن به گردن مردم حق دارد، چون او مردم را به خداوند انداخته و آنان را به دریافت الطاف الهی دعوت می‌کند، پس باید از او تشکر نموده و احترامش در جامعه اسلامی حفظ شود.

### پیوند نماز با سیاست

براساس روایات، اگر نماز با بهترین شرایط اقامه شود ولی همراه با ولایت رهبران معصوم نباشد، قبول نیست.

در مراسم حج مشاهده می‌شود که نمازهای با عظمتی در مکه و در مسجدالحرام اقامه می‌شود، ولی اثری که باید داشته باشد ندارد. جمعیت میلیونی در کنار کعبه و مقابل قبله واقعی، وضو با بهترین آب یعنی آب زمزم، ایستادن در بهترین مکان (مسجدالحرام)، و اقامه نماز به امامت فردی که حافظ و قاری قرآن است، اما این نماز در این نیم قرن اخیر نه مانع فحشا شده است و نه مانع منکر، مسلمانان زیادی در فلسطین کشته شدند و فحشا توسعه پیدا کرده، ولی این نماز میلیونی اثری که باید داشته باشد نداشته است.

آیا نعوذ بالله وعده خداوند درباره اثر نماز که «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»<sup>۱</sup> است، دروغ می‌باشد؟ یا نمازی که اکنون در کنار

کعبه خوانده می‌شود، آن نماز قرآنی نیست؟ زیرا علاوه بر جمعیت و قبله و طهارت و قرائت، از روح نماز خالی است و بر اساس روایات روح نماز، ولایت رهبران معصوم یعنی امیرالمؤمنین و ائمه اطهار علیهم السلام است.

### پیوند نماز با استقلال

پیوند نماز با استقلال، در قبله نمایان است، زیرا قبله یهود و مسیحیت در جهات دیگری است و قرآن می‌فرماید: ما کعبه را قبله شما قرار دادیم تا مستقل باشید و دیگران نگویند شما به قبله ما نماز می‌خوانید و با این حرف بر شما منت بگذارند و حجّتی بر علیه شما داشته باشند: «لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ»<sup>۱</sup>.

### پیوند نماز با انتخاب

در نماز انسان حق انتخاب دارد و می‌تواند در چارچوب ارزشها، مکان یا زمان یا امام جماعتی را انتخاب کند و در آن مکان و زمان و با آن امام جماعت، نماز خود را اقامه نماید.

همچنین بعد از سوره حمد، انتخاب سوره دیگر (به جز سوره‌های دارای سجده واجب) به نمازگزار سپرده شده است تا او با سلیقه، حافظه، فرصت و علاقه‌ای که دارد، سوره‌ای را انتخاب کند.

همچنین در قنوت و دعاهای بعد از نماز انسان می‌تواند اذکار و ادعیه‌هایی را که دوست دارد، انتخاب کرده و بخواند.

### پیوند نماز با شهادت

امیرمؤمنان علی علیه السلام در نماز شهید شد و امام حسین علیه السلام نیز در لحظاتی قبل از شهادت در روز عاشورا به نماز ایستادند. این مطلب نشان می‌دهد نه حضرت علی علیه السلام به خاطر شهادت مسجد را ترک کردند و نه امام حسین علیه السلام به علت جنگ، لحظه‌ای در اقامه نماز درنگ نمودند.

همچنین سفارش شده بهترین چیز برای سجده، خاک کربلا است. خاک کربلا نشانه عزت، صلابت و شهادت است. تاریخ کربلا داروی همه نوع تهدیداتی است که ابرقدرت‌ها بر علیه مسلمانان دارند. کربلا یعنی مقاومت در برابر تحریم اقتصادی تا آنجا که حداقل آب هم برای نوشیدن نداشتند.

کربلا یعنی مقاومت در برابر محاصره نظامی تا آنجا که هفتاد و دو نفر در مقابل حدود سی هزار نفر ایستادند.

کربلا یعنی زیر سم اسب رفتن ولی زیر بار ظلم نرفتن. سجده بر این خاک علاوه بر بندگی خدا، یادآور عزت، شهامت، شجاعت، عصمت و شهادت می‌باشد.

در روایات می‌خوانیم از نماز آن بخش‌هایی قبول است که انسان حضور قلب داشته باشد و اگر حضور قلب نبود، نمازهای نافله سبب قبولی آن است. نمازهای نافله کلید قبولی نمازهای واجب است و اگر نه حضور قلبی بود و نه نافله، لااقل سجده بر خاک کربلا سبب قبولی نماز و صعود آن می‌شود.

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا برای دو رکعت نماز، تیر باران دشمن را برای خود و اصحابش پذیرفت. در جمهوری اسلامی نیز امامان جمعه‌ای همچون آیت الله اشرفی، دستغیب، مدنی، صدوقی شهید محراب شدند.

### پیوند نماز با تامل شکنجه‌ها

مرحوم حجّت الاسلام والمسلمین ابوترابی که در جبهه‌های جنگ حضور داشته و ۱۰ سال نیز اسیر دشمن بعثی بود، در اجلاس سراسری نماز خطاب به حضار گفت: زمانی از سوی صدام (جنایتکار تاریخ که برای براندازی جمهوری اسلامی از زمین و آسمان ایران را مورد هجوم قرار داد و صدها هزار شهید و جانباز و اسیر و مفقودالاثراثر از ایران اسلامی گرفت) دستور آمد که اسیران موثر در میان اسرای رزمنده ایرانی را شبانه نابود کنید. نیمه شب شکنجه‌گران بعثی به اردوگاه اسرا آمدند و من و جمعی را جدا کردند و به قصد کشتن آنگونه شکنجه دادند که خود را در لحظات پایانی زندگی

یافتیم و در خون خود می‌غلتیدیم. میخ در سر بعضی کوبیدند و بر صورت بعضی آنگونه ضربه وارد کردند که چشمش از کاسه در آمد و روی زمین افتاد. نفس‌ها به شماره افتاد، هیچ رمقی نمانده بود، از روزنه سلول بازداشتگاه سفیدی صبح را دیدیم و با همان حال دو رکعت نماز خواندیم و بعد متوجه شدیم آن سپیده، سپیده صبح بوده و لذا دوباره نماز صبح خواندیم.

سپس فرمود: ای کسانی که در اجلاس نماز شرکت کرده‌اید و رهبر معظم برای شما و امت پیام داده و رئیس جمهور و مسئولین در آن شرکت کرده‌اند، بدانید که ما در دوران اسارت اینگونه نماز را حفظ می‌کردیم.

آری، کسانی که ارزش چیزی را بدانند، حاضرند جان خود را فدای آن کنند و با هیچ بهانه‌ای آن را از دست نمی‌دهند، ولی در مقابل این ایثارگران؛

الف: عده‌ای ایمان ندارند و نماز نمی‌خوانند: «فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى»<sup>۱</sup>

ب: برخی مانع نماز دیگران می‌شوند: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى عَبْدًا إِذَا صَلَّى»<sup>۲</sup>

ج: عده‌ای نماز را مسخره می‌کنند: «وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوءًا وَلَعِبًا»<sup>۳</sup>

د: عده‌ای بی‌نشاط نماز می‌خوانند: «وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى»<sup>۴</sup>

۱. قیامت، ۳۱.

۲. علق، ۹.

۳. مائده، ۵۸.

۴. نساء، ۱۴۲.



ه: عده‌ای گاهی می‌خوانند و گاهی نمی‌خوانند: «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»<sup>۱</sup>

و: عده‌ای به خاطر رسیدن به دنیا، از نماز کم می‌گذارند: «وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكَوْكَ قَائِمًا»<sup>۲</sup>

### پیوند نماز با حکومت

در قرآن کریم می‌خوانیم: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»<sup>۳</sup> کسانی که اگر آنان را در زمین به قدرت برسانیم، نماز بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و (دیگران را) به خوبی‌ها دعوت می‌کنند و از بدی‌ها باز می‌دارند و پایان همه‌ی امور برای خداست.

آیه بیانگر این مطلب است که اقامه نماز، به قدرت و امکانات نیاز دارد و اولین ثمره حکومت صالحان، نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر است.

اگر قدرت و امکانات، در دست افراد صالح باشد، بهره‌برداری صحیح می‌کند و اگر در اختیار ناهالان قرار گیرد، سوء استفاده می‌کنند. بنابراین دنیا و قدرت، برای گروهی نعمت و برای گروهی وسیله‌ی بدبختی است و قرآن از هر دو نمونه یاد کرده است: اگر

۱. ماعون، ۵.

۲. جمعه، ۱۱.

۳. حج، ۴۱.

مؤمنان به قدرت برسند، به سراغ نماز و زکات و امر به معروف می‌روند ولی انسان‌های منحرف و ناهل، اگر قدرتمند شوند کارشان طغیان است، «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ»<sup>۱</sup> و در راه نابودی منابع اقتصادی و نسل بشر گام بر می‌دارند، «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يَهْلِكَ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى»<sup>۲</sup> و عاقبت، مردم را به دوزخ می‌کشاند «أَتَمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ»<sup>۳</sup>.

### پیوند نماز با اطاعت

در نماز جماعت لازم است انسان از حرکات و اعمال امام جماعت که نقش رهبر را دارد، اطاعت کامل داشته باشد. اینکه قبل از امام حق نداریم نماز را آغاز کنیم و یا به رکوع و سجود برویم، نشانه نقش و اهمیت اطاعت از امام جماعت است. این اطاعت در جامعه اسلامی و تبعیت از رهبری الهی نیز باید متجلی باشد.

### پیوند نماز با موضع‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی

قرآن می‌فرماید: «لَا تَصَلُّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ»<sup>۱</sup> ای پیامبر بر جنازه افرادی که از جبهه فرار کرده‌اند و منافق هستند نماز نگذار و با این ترک نماز، موضع و قهر خودت را نسبت به آنان نشان بده.

۱. علق، ۶.

۲. بقره، ۲۰۵.

۳. قصص، ۴۱.

۴. توبه، ۸۴.

حضرت زهرا علیها السلام نیز وصیت کرد شبانه مرا غسل دهید و بر من نماز گزارید، تا قاتلین من و غاصبین حکومت شوهرم در تدفین من شرکت نکنند و با این وصیت نارضایتی و خشم خود را نسبت به آنان اعلام کرد.

به ما سفارش شده که در رکعت اول نماز جمعه، سوره جمعه خوانده شود و در رکعت دوم سوره منافقون تا با اعلام موضع، لریزه بر اندام منافقین و دشمنان افتد.

### پیوند نماز با تزلزل نظام‌های فاسد

هنگامی که به امام رضا علیه السلام پیشنهاد کردند نماز عید را برگزار کند، فرمود: به شرط آن که نماز را به طریق نماز رسول الله صلی الله علیه و آله اقامه کنم و نه آن گونه که حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس انجام می‌دهند که با اشراف و اسب‌های زین کرده و انواع تجملات برای نماز می‌رفتند. مأمون ابتدا شرط را پذیرفت و امام رضا علیه السلام با پای پیاده و برهنه و با حال تواضع و خضوع آن گونه حرکت کرد که برق سادگی و اخلاص و قداست همه را دگرگون کرد. جمعیت چنان زیاد شد و دعاها و تکبیرات روز عید آن چنان اثر عمیق در جامعه گذاشت که به مأمون گفتند: اگر این نماز تمام شود و پایان بگیرد تو دیگر نمی‌توانی در این کشور حکومت کنی، زیرا با این نماز روح تازه‌ای در جامعه دمیده شده و تفاوت اسلام ناب با اسلام اموی و عباسی به

نمایش گذاشته شده است. لذا دستور داد امام رضا علیه السلام را از وسط راهی که به سوی مصلی برای انجام نماز عید می‌رفت، برگرداندند.

### پیوند نماز با رهبری

شاید بتوان گفت که اقامه نماز چیزی هم وزن رهبری است، زیرا حضرت ابراهیم علیه السلام در دو مورد برای نسلش دعا کرد: یکی برای مقیم نماز شدن که این چنین دعا کرد: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي»<sup>۱</sup> و یکی هم برای امام و رهبر شدن، هنگامی که خدا او را به رهبری رساند و به او فرمود: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» او از خدا خواست که ذریه او هم رهبر شوند: «قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي» که خداوند به او فرمود: امامت یک عهد الهی است که به ستمگران نمی‌رسد: «قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»<sup>۲</sup>.

بنابراین از حلقوم مبارک حضرت ابراهیم دو بار کلمه «وَمِنْ ذُرِّيَّتِي» صادر شد: یکی برای اقامه نماز و دیگری هم برای رهبری که این مطلب نشان می‌دهد، نماز هم سنگ مسأله رهبری است.

### پیوند نماز با ترویج ارزش‌ها

شرایطی که برای امام جماعت بیان شده و امتیازات تعیین شده، نشان دهنده آن است که باید ارزشها را پاس داشته و احترام نمائیم.

۱. ابراهیم، ۴۰.

۲. بقره، ۱۲۴.

اگر مردم پشت سر شخصی به نماز بایستند، همین اقتدا کردن، امام جماعت را به حفظ و مراعات بیشتر و پوشیدن لباس تقوا و پرهیز از بسیاری از اعمال و ادار می‌سازد. یعنی توجه مردم و اقتدای آنان صلاحیت افراد را تثبیت می‌کند.

### پیوند نماز با عدالت

امام جماعت باید انسان وارسته، با کمال، با سواد و با تقوی باشد. مگر نه این است که امام جماعت، رابط من با خداست؟ به هر ریسمانی که نمی‌توان چنگ زد و از هر نردبانی که نمی‌توان بالا رفت و با هرکسی که نمی‌توان به خدا نزدیک شد.

اگر امامت چند نفر در مسجد، شایستگی‌هایی لازم دارد، امامت امت و جامعه، شایستگی‌های بیشتری می‌خواهد، به همین دلیل سفارش شده است پشت سر کسی نماز بخوانید که به ایمان و عدالت او اطمینان دارید.

### پیوند نماز با معیارهای مکتبی

هر مسلمانی در هر کجای زمین، هر روز پنج بار باید به تمام هم‌کیشان و همفکرانش سلام کند: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَي عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» سلام بر بندگان صالح خدا، سلام بر طرفداران مکتب حق.

در نماز، سیاست خارجی اسلام را یکی آیه «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ» تعیین می‌کند و یکی هم جمله «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ». آری کسی که هر روز به بندگان خدا سلام می‌کند، به آنها حيله نمی‌زند، خیانت نمی‌کند و کلاه سرشان نمی‌گذارد.

### پیوند نماز با راه حق

ما در هر نماز با گفتن «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» از خداوند راه مستقیم را می‌خواهیم.

راه مستقیم، راه خدا و اولیای خداست.

راهی است که از هرگونه خطا و انحراف دور است.

راهی است که ترسیم کننده آن مرا دوست دارد و نیازم را می‌داند.

راهی است که به بهشت منتهی می‌شود.

راهی است که با فطرت سالم هماهنگ است.

راهی است که اگر در آن راه بمیرم، شهید محسوب می‌شوم.

راهی است که از عالم بالا و بالاتر از علم ماست.

راهی است که انسان دچار شک و پشیمانی نمی‌شود.

و بالاخره راه انبیا، شهدا، صالحان و صدیقین است.

اینها نشانه‌های راه حق و مستقیم است که شناخت آن مشکل و

دقیق است و حرکت و پایداری در آن نیاز به امداد الهی دارد.

### پیوند نماز با تسلیم

حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمایند: تاویل اینکه سفارش شده در رکوع، گردن خود را بکشید، این است که خدایا من به تو ایمان دارم گرچه گردنم زده شود: «أَمَنْتُ بِاللَّهِ وَلَوْ ضُرِبَتْ عُنُقِي».<sup>۱</sup>

### پیوند نماز با مسأله جبر و اختیار

در نماز می‌گوییم: «ایاک نعبد» یعنی ما با اراده و اختیار خود تو را بندگی می‌کنیم و سپس می‌گوییم: «و ایاک نستعین» یعنی همه چیز به ما تفویض نشده و ما همچنان به خداوند نیاز داریم. مثل کسانی که آموزش رانندگی می‌بینند که شاگرد در گاز دادن و ترمز گرفتن اختیار دارد، ولی یک پدال گاز و ترمز هم زیر پای مربی است. انسان نیز اینگونه است که هم اختیار دارد و هم پشت سرش قدرت دیگری نیز هست.

### پیوند نماز با تجارت

قرآن در مواردی در کنار نماز، به مسأله داد و ستد و تجارت اشاره کرده و در سوره جمعه می‌فرماید: همین که صدای اذان بلند شد، تجارت را رها و به سوی نماز جمعه بشتابید: «إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ»<sup>۲</sup> اما همین که نماز جمعه

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۲۵.

۲. جمعه، ۹.

تمام شد، مجدداً به سوی کسب و کار و درآمد بروید: «فَإِذَا قُضِيَتْ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ».<sup>۱</sup>

در قرآن از تجارت به هنگام نماز انتقاد شده و می‌فرماید: بعضی مردم زمانی که تجارت یا لهوی را می‌بینند به سوی آن می‌روند و نماز و خطبه‌های نماز جمعه را ترک و رهبر خود را که مشغول خطبه خواندن است، تنها می‌گذارند: «وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ».<sup>۲</sup>

از طرفی در آیه دیگر می‌فرماید: رادمردانی هستند که هیچ‌گونه تجارت و داد و ستدی آنان را از یاد خدا باز نمی‌دارد و همین که صدای اذان را بشنوند، به سوی نماز می‌روند: «رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ».<sup>۳</sup>

کوتاه سخن آنکه تجارت به جای نماز ممنوع، ولی بعد از نماز یا قبل از آن پسندیده است.

### پیوند نماز با لقمه ملال

در روایات می‌خوانیم: مثال کسانی که با لقمه حرام عبادت می‌کنند، مثال کسانی است که روی شن‌های نرم خانه می‌سازند:

«الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ»<sup>۴</sup>

۱. جمعه، ۱۰.

۲. جمعه، ۱۱.

۳. نور، ۳۷.

۴. بحار، ج ۸۱، ص ۲۵۸.



### پیوند نماز با پاداش الهی

همان گونه که کارگران و کارمندان در مواردی که ساعاتی را بیش از ساعت مقرر کار می‌کنند، سود بیشتری به دست می‌آورند، در نماز هم افرادی که نوافل و نمازهای مستحبی را در کنار نمازهای واجب انجام دهند، علاوه بر پاداش بیشتر، سبب جبران کمبودهای نماز واجب و قبولی آنها نیز می‌گردند.

### پیوند نماز با سفتی کار

پاداش همه نمازها یکسان نیست، بلکه نوع کار و شرایط زمانی، مکانی، اجتماعی، سیاسی و امثال آن در پاداشها اثر گذار است. چنانکه در حدیث می‌خوانیم: «ضربة علی یوم الخندق افضل من عبادة الثقلین»<sup>۱</sup> چون شرایط جنگ خندق با جنگ‌های دیگر تفاوت داشت و بسیار سخت تر بود. در آن روز تمام کفر در برابر تمام اسلام صف آرایی کرده بود.

### پیوند نماز با مساب و کتاب

در نماز باید شکل و شیوه و قالب‌ها مراعات شود. تعداد رکعات هر نماز، رکوع‌ها و سجده‌ها و اذکار آنها هرکدام حساب و کتاب دارد و نمی‌توان به جای سوره حمد، سوره دیگری را قرائت کرد.

اینکه گفته شده بعد از نماز ۳۴ بار «الله اکبر»، ۳۳ بار «الحمد لله» و ۳۳ بار «سبحان الله» بگوییم و نه کمتر و نه بیشتر، انسان را با حساب و کتاب آشنا می‌کند.

قبل از شروع نماز، گفتن ۶ تکبیر مستحب است (نه ۵ و نه ۷ تکبیر)، مقدار خم شدن در رکوع تا آنجاست که کف دست به زانو برسد، در سجده باید ۷ موضع به زمین برسد. کلمات تشهد، تعداد سلام‌های پایان نماز، تعداد تسیحات اربعه مشخص است.

مستحب است در نماز سوره قدر خوانده شود و قدر یعنی اندازه‌گیری و حساب و کتاب، ولی نه آن حساب و کتابی که ما می‌فهمیم، بلکه حساب و کتابی که علم آن تنها نزد خالق یکتاست. برای عموم مردم شب قدر با دیگر شب‌ها یکسان است، لکن این خالق هستی است که می‌فرماید: شب قدر بهتر از هزار ماه است: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ»<sup>۱</sup>

یعنی هم حساب و کتاب و اندازه در کار است و هم همه حساب و کتاب‌ها را بشر نمی‌فهمد.

خداوند در قرآن کریم بارها با جمله «وَمَا أَدْرَاكَ» به پیامبرش می‌فرماید: تو هم نمی‌دانی. این مطلب نشان می‌دهد لازم نیست همه فرمول‌های هستی را همه ابناء بشر بدانند.

اینکه در ذکر رکوع «سبحان ربّی العظیم» می‌گوییم و در سجده «سبحان ربّی الاعلی»، نشان دهنده نوعی انتخاب حکیمانه به فرمان پیغمبر ﷺ است، زیرا در حدیث می‌خوانیم: «لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَسَبَّحَ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ قَالَ النَّبِيُّ اجْعَلُوهَا فِي رُكُوعِكُمْ فَلَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى قَالَ النَّبِيُّ اجْعَلُوهَا فِي سُجُودِكُمْ»<sup>۱</sup>.

هنگامی که آیه «فَسَبَّحَ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» نازل پیامبر فرمود: آن را در رکوع قرار دهید و چون آیه «سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» نازل شد، فرمود: آن را در سجده خود قرار دهید.

### پیوند نماز با رعایت ادب

انسان حق ندارد نماز را نیمه کاره رها کند، زیرا همان‌گونه که رها کردن کلاس درس برای معلم و رها کردن کار برای کارگر اتلاف وقت و انرژی و سرمایه و یک نوع بی‌اعتنایی است، رها کردن نماز نیز نوعی بی‌اعتنایی و اهمیت ندادن به نماز می‌باشد. چنانکه اگر با شخص محترمی گفتگو می‌کنیم و ناگهان کلام خود را قطع کنیم، به مخاطب خود توهین کرده ایم.

### پیوند نماز با تکمیل کارها

نماز گزار باید تمام واجبات نماز را به طور کامل انجام دهد و اگر هر یک از ارکان و واجبات نماز را کم کند، نماز او قابل قبول نیست

و این خود یک درس مهم است که باید در زندگی از ناقص کاری و اهمال کاری اجتناب نمود.

اسلام می‌فرماید: عقاید خود را با استدلال و برهان فرا گیرید، نه با گفته افراد و آنجا که به کارشناس رجوع می‌کنید و مسائلی را از دیگران می‌آموزید، آن کارشناس باید مجتهد عالم و اعلم باشد و آنجا که قضاوت می‌کنید باید پای شاهدان عادل در کار باشد و آنجا که خبری را از غیر عادل می‌شنوید لازم است، تحقیق کنید.

در حدیث می‌خوانیم که خداوند دوست دارد کارها با دقت و استحکام انجام گیرد: «وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجِبُ عَبْدًا إِذَا عَمِلَ عَمَلًا أَحْكَمَهُ»<sup>۱</sup>

### پیوند نماز با عمران و آبادی

در قرآن می‌خوانیم که حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام به سخت‌ترین نقطه زمین و بیابانی بی‌آب و گیاه هجرت کرد تا با این هجرت خود واقامه نماز در آنجا، آن منطقه را به شهری امن و آباد تبدیل کند. «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ»<sup>۲</sup>.

### پیوند نماز با رزق و روزی

قرآن می‌فرماید: نماز ذکر خداست، «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدِكْرِي»<sup>۱</sup> در جای دیگر می‌فرماید: هرکس از ذکر خدا اعراض کند، زندگی تنگ و

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۳۰.

۲. ابراهیم، ۳۷.

۱ - طه، ۱۴.

سختی خواهد داشت. «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»<sup>۱</sup> در حدیث نیز می‌خوانیم: نماز شب سبب جلب روزی است: «وَصَلَاةُ اللَّيْلِ تَجْلِبُ الرَّزْقَ»<sup>۲</sup>.

### پیوند نماز با عالم غیب

در قرآن بعد از ایمان به غیب، مسئله‌ی نماز مطرح شده است: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ»<sup>۳</sup>. خود نماز و آنچه گفته می‌شود و انجام می‌شود، همه از عالم غیب است.

اصلاً نماز رابطه با غیب است، پیوند بی‌نهایت کوچک با بی‌نهایت بزرگ است، گفتگوی یک موجود مادی است با مقامی که نه چشم او را می‌بیند و نه ذهن می‌تواند او را تصور کند: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ»<sup>۴</sup>.

### پیوند نماز با فودسازی

از امام خمینی علیه السلام نقل شده است که فرمودند: نماز کارخانه انسان‌سازی است. آری کسی که بلندترین نقطه بدن خود، پیشانی را در ۱۷ رکعت نماز روزانه ۳۴ بار بر خاک می‌گذارد، نمی‌تواند شخص متکبری باشد.

۱- طه، ۱۲۴.

۲. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۴۹.

۳. بقره، ۲.

۴. انعام، ۱۰۳.

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام فرمودند: نماز برای پاک کردن انسان از تکبر است: «تطهیرا للکبر».

شرط نماز نیز اخلاص است و در خودسازی انسان باید از خودنمائی دوری کند. آری اگر در مکانی نماز بخوانیم که خود را نشان بدهیم یا در زمانی انجام دهیم که دیگران را به تحسین و ادار کنیم یا تنها یکی از واجبات یا مستحبات آن را برای غیر خدا انجام دهیم یا در قیافه و لباس و قالبی نماز گزاریم که حتی نیم درصد آن برای غیر خدا باشد، کل نماز باطل است. همان‌گونه که اگر روزنه‌ای در توپ وارد شود، کل بازی تعطیل می‌شود و اگر لخته خونی در مغز وارد شود، انسان را از پا می‌اندازد و به مرگ تهدید می‌کند.

کوتاه سخن آنکه هیچ وسیله‌ای ساده‌تر، آسان‌تر، در دسترس‌تر، رایگان‌تر و بدون تشریفات‌تر از نماز برای خدایی شدن و قرب به خدا نیست. نماز برنامه‌ای است که نه هزینه‌ای دارد و نه محدودیتی و هرکس در هر سن و در هر شرایطی می‌تواند با مبدأ هستی ارتباط برقرار کند.

### پیوند نماز با هوشیاری و غفلت زدائی

قرآن می‌فرماید: اهل آسمان‌ها و زمین و پرندگان تسبیح خدا را می‌گویند و سپس می‌فرماید: نماز و تسبیحشان آگاهانه است: «كُلُّ قَدِّ

عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ»<sup>۱</sup> در جایی دیگر خطاب به نمازگزاران می‌فرماید: در حال مستی نماز نخوانید تا بدانید چه می‌گویید: «لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ»<sup>۲</sup>.

راستی جای شرمندگی است که نماز پرندگان آگاهانه باشد ولی نماز انسان غیر آگاهانه. در نماز، تنها اذکار و حرکات کافی نیست، توجه و شعور لازم است. عبادات ناآگاهانه نیز قبول نیست، گرچه تکلیف را ساقط می‌کند.

شرط اول در خود سازی هوشیاری است. قرآن می‌فرماید: بعضی انسانها از چهارپایان منحرف‌ترند، زیرا افراد غافلی هستند: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»<sup>۳</sup>.

و بهترین داروی غفلت نماز است، آن هم نمازی همراه با دیگران در مسجد و به امامت عالمی بصیر. این نماز است که انسان را از غفلت‌ها بیرون می‌آورد، چون عالم بصیر دشمنان پیدا و ناپیدا را می‌شناسد و هشدار می‌دهد.

حضور در مسجد و جماعت مسلمانان، انسان را از سرگرم شدن به مسائل دنیوی بازمی‌دارد. کنار هم ایستادن در نماز جماعت انسان را از انزوا و گوشه‌گیری جدا می‌کند.

۱. نور، ۴۱.

۲. نساء، ۴۳.

۳. اعراف، ۱۷۹.

همان‌گونه که فضای دریا بستری برای رشد و حیات ماهیان است، مساجدی که برنامه‌های تربیتی خوبی دارند، فضایی برای رشد و تکامل و خروج از غفلت هستند.

در حدیثی می‌خوانیم: خداوند نماز را بر انسان‌ها واجب کرد تا غافل نشوند و او را فراموش نکنند: «لا یغفل عنه و ینسوه»<sup>۱</sup> امام رضا علیه السلام فرمودند: فراموش کردن خدا سبب طغیان می‌شود و اقامه نماز، اقرار به ربوبیت و سبب دوری از شرک، خضوع و اعتراف به بندگی و تعظیم و توقیر (وقار) خداوند است.

### پیوند نماز با مبدأ

نماز با الله اکبر شروع می‌شود و در سراسر نماز حمد و تسبیح و تهلیل و تکبیر الهی تکرار می‌شود. در پیوند نماز با مبدأ، همین بس که قرآن کریم می‌فرماید: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي».<sup>۱</sup> هدف از اقامه نماز تنها رعایت قالب آن نیست، بلکه توجه به قلب آن، یعنی احساس حضور است: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي».

### پیوند نماز با معاد

به گفته روایات، اولین سوال در قیامت مربوط به نماز است.<sup>۱</sup> آری، همان‌گونه که اولین واجب بر هر مکلفی قبل از روزه و خمس و

۱. طه، ۱۴.

۱. بحار، ج ۷، ص ۲۶۷.



زکات و حج و... نماز است، در قیامت نیز در اولین فرصت، از اولین تکلیف سؤال می‌شود. مردم نسبت به رستخیز و معاد چند دسته هستند:

- ۱- گروهی به قیامت شک دارند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن تُرَابٍ»<sup>۱</sup>
  - ۲- گروهی به قیامت گمان دارند: «يُظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ»<sup>۲</sup>
  - ۳- گروهی به قیامت یقین دارند: «وَالْآخِرَةُ هُمْ يَوْمُونَ»<sup>۳</sup>
  - ۴- گروهی منکر قیامت هستند: «وَكُنَّا نُكَذِّبُ يَوْمَ الدِّينِ»<sup>۴</sup>
  - ۵- گروهی ایمان دارند ولی فراموش می‌کنند: «نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ»<sup>۵</sup>
- قرآن برای رفع شک گروه اول، استدلال کرده و از مؤمنین و باوردارندگان معاد ستایش کرده است و از منکران، برهان خواسته که دلیل انکار شما چیست و برای گروه پنجم دائماً تذکراتی داده که انسان فراموش نکند.

نماز، هم شک‌زدایی می‌کند و هم «غفلت»ها را به «یاد» تبدیل می‌سازد. در نماز با گفتن «مالک يوم الدين» در هر شبانه روز حداقل ده بار، انسان مسئله قیامت را به خود تلقین می‌کند و تذکر می‌دهد.

۱. حج، ۵.

۲. بقره، ۴۶.

۳. بقره، ۴.

۴. مدثر، ۴۶.

۵. ص، ۲۶.

همچنین سفارش شده هنگام وضو که صورت خود را می‌شوئیم،  
 بگوییم خدایا مرا در قیامت رو سفید کن: «اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُّ  
 فِيهِ الْوُجُوهُ وَلَا تَسْوَدِّ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيِضُ فِيهِ الْوُجُوهُ».

به هنگام شستن دست راست بگوییم: خدایا در قیامت نامه مرا به  
 دست راستم بده: «اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي وَالْخُلْدَ بِيَسَارِي».  
 به هنگام مسح پا بگوییم خدایا پای مرا بر صراط نلغزان: «اللَّهُمَّ ثَبِّتْ  
 قَدَمِي عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ»<sup>۱</sup>

### ❁ بیوند نماز با تشکر ❁

خداوند به همه مخلوقات لطف کرده و به انسان‌ها بیشتر و به انبیا  
 لطف مخصوص و به پیغمبر اسلام ﷺ لطف بی‌نظیر که نامش را  
 کوثر نهاده و سپس می‌فرماید: اولین تشکر از این کوثر نماز است:  
 «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ. فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ. إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»<sup>۱</sup>  
 یکی از اسرار نماز، تشکر از خدا است، قرآن می‌فرماید: عبادت  
 کنید پروردگاری که شما و نیاکان شما را آفرید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا  
 رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ»<sup>۲</sup>

نماز، بهترین نوع شکرگزاری است که شیوه آن را خداوند بیان  
 فرموده و تمام انبیا و اولیا هم آن شیوه را به کار بسته‌اند.

۱. کافی، ج ۳، ص ۷۰.

۲. کوثر، ۱-۳.

۲. بقره، ۲۱.

## ❁ بیوند نماز با شعائر ❁

در میان عبادات، حج و نماز همراه با فریاد است، لکن فریاد حج، کلمه لبیک است که در مکان خاص و زمان خاص می‌باشد آن هم به هنگام برخورد کاروان‌ها با یکدیگر، اما فریاد نماز اذان است که در هر صبح و شام سفارش شده است.

اذان، از کلمه «الله» شروع می‌شود و با کلمه «الله» پایان می‌یابد و دارای یک دوره عقاید و دعوت به نماز و بهترین عمل است. اذان، شکستن سکوت است، زنگ بیدار باش است، نسیم معنویت است، نشانه آزادی و هوشیاری است، نشانه عشق به مکتب و دعوت به مکتب است.

اذان، عبور از فرد و دعوت به جمع است، سیمای دین است، پلی است میان مادیات و معنویت، فرودگاهی است برای پرواز و معراج. در دو آیه پی در پی در قرآن کریم چنین می‌خوانیم: مخالفان دین شما را مسخره می‌کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا» و اذان شما را به تمسخر می‌گیرند: «وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا وَلَعِبًا»<sup>۱</sup> و این ناراحتی از دین شماست.

در روایات آمده که هنگام بلند شدن صدای اذان، شیطان عصبانی می‌شود و فرار می‌کند.

در تاریخ آمده است که برای تصرف قلعه خیبر و برخورد با یهود پیمان شکن، همین که فرماندهی به امیرالمؤمنین علیه السلام واگذار شد، حضرت دستور داد مسلمانان دور قلعه را بگیرند و با صدای رسا تکبیر بگویند. صدای تکبیر لرزه بر روح و روان یهودیان انداخت و آنها منطقه را ترک کردند.

ملت ایران برای طرد نظام شاهنشاهی شب‌ها به بام‌ها رفته و تکبیر گفتند و طومار رژیوم پادشاهی برای همیشه در ایران در هم پیچیده شد. کوتاه سخن آنکه هیچ عبادتی به اندازه نماز تبلیغات ندارد.

در هر شبانه روز پنج نماز واجب داریم و در هر نمازی سفارش شده اذان را بلند بگویید و سپس اقامه بگویید. در این دو ندای آسمانی جمعاً: بیست مرتبه «حیّ علی الصلاة»، بیست مرتبه «حیّ علی الفلاح»، بیست مرتبه «حیّ علی خیر العمل» و ده مرتبه «قد قامت الصلاة» می‌گوئیم. با توجه به اینکه مراد از «فلاح» و «خیر العمل» در اذان همان نماز است، هر مسلمانی در هر شبانه روز هفتاد مرتبه با کلمه «حیّ» به خود و دیگران، تلقین شتاب به سوی نماز می‌کند.

### ﴿ پیوند نماز با زیارت ﴾

به هنگام زیارت پیشوایان، نماز زیارت سفارش شده است و در روایات متعدد آمده است که ثواب نماز زیارت را به پیشوایان و ائمه اطهار علیهم السلام هدیه کنید.

## پیوند نماز با دعا

در نماز، جایگاه دعا برجسته است؛ هم قبل از نماز دعاهایی سفارش شده و هم در نماز دعا می‌کنیم و از خداوند به طور مکرر هدایت به راه مستقیم را می‌خواهیم و هم در قنوت و سجده آخر و هم بعد از نماز دعاهایی وارد شده است.

شاید بتوان از اینکه در میان همه دعاها «اهدنا الصراط المستقیم» در سوره حمد قرار گرفته و تلاوت آن در رکعت اول و دوم واجب شده، استفاده کرد که مهم ترین دعا بشر، پیمودن راه مستقیم است که بدون استمداد از خداوند نمی‌شود، زیرا می‌بینیم بسیاری از دانشمندان هم مسیر صحیح را نمی‌روند.

آری اگر عقل کافی بود این همه پشیمانی در کار نبود. پشیمانی‌های انسان نشانه این است که عقل او کافی نیست. اگر هم انتخاب‌های انسان درست بود، هیچ همسری از همسرش جدا نمی‌شد و طلاق در کار نبود. عقل بشری مثل ترازوی زرگری است که بسیار دقیق است، اما توان توزین و سنجش هر کالایی را ندارد. بنابراین انسان در کنار عقل، نیاز به راهنمای آسمانی و انبیا و رهبران معصوم دارد.

از همه گذشته اگر کسانی باشند که از نظر فکری، عملی و روحی صددرصد در راه مستقیم باشند، باید برای تداوم آن همواره از

خداوند بخواهند که: «اهدنا الصراط المستقیم» زیرا ممکن است در ادامه راه دچار لغزش شوند، مثل راننده‌ای که تمام جاده را به خوبی طی کرده ولی نزدیک مقصد، گرفتار تصادف تلخی می‌شود.

به یک نمونه مهم توجه کنید:

حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ که دوم شخصیت عالم هستی می‌باشد، در چند مورد از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سوال کرد: آیا در لحظه مرگ دین من سالم خواهد بود؟ و پیامبر فرمودند: آری.

آیا زمانی که شخصی مثل امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ نسبت به عاقبت کار خود دغدغه دارد، ما می‌توانیم با خیال راحت فریب تحصیلات و عبادات و کارهای خود را بخوریم و راه حق را برای خود تضمین شده بدانیم؟

در قرآن می‌خوانیم که حضرت یوسف در اواخر دوران پرفراز و نشیب خود که به حکومت رسیده بود، باز از خدا می‌خواست که در حال تسلیم از دنیا برود و می‌گفت: «تَوَقَّئِي مُسْلِمًا»<sup>۱</sup> یعنی جان مرا زمانی بگیر که من صددرصد بنده مطیع و تسلیم تو باشم.

در قرآن می‌خوانیم بعضی از انبیاء به نسل خود سفارش می‌کردند راه مستقیم را تا لحظه آخر از دست ندهید: «فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»<sup>۲</sup>.

۱. یوسف، ۱۰۱.

۲. بقره، ۱۳۲.

در قرآن موارد متعددی یافت می‌شود که افرادی راه مستقیم را رها کردند و بعد از ایمان، کافر شدند: «الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا».<sup>۱</sup>

بعد از خداپرستی سراغ گوساله‌پرستی رفتند: «ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ».<sup>۲</sup>

بعد از دریافت نعمت‌های ویژه الهی، سوی دنیاگرایی رفتند. نظیر بلعم باعورا که اسم اعظم و علوم خاصی را از جانب خداوند دریافت کرد، ولی به خاطر جاذبه‌های مادی از آنها دست برداشت و گرفتار هوس‌های زود گذر شده و در دام شیطان قرار گرفت.<sup>۱</sup>

قرآن بارها از شیطان، با سابقه طولانی عبادتش به عنوان موجود بد عاقبت نام برده و در مقابل از افرادی به عنوان خوش عاقبت ستایش کرده است، نظیر ساحرانی که با دستور فرعون برای رسوا کردن موسی اجتماع کردند و بعد از عمری انحراف در سحر و جادو، در یک لحظه به خدای موسی ایمان آورده و به سجده افتادند و تهدیدات فرعون را پوچ انگاشتند.

آری آنقدر راههای انحرافی، افکار، اعمال، وسوسه‌ها، دوستان و جاذبه‌های انحرافی هست که هر مسلمانی حداقل روزی ده مرتبه باید در نمازهای خود از خدا با جمله «اهدنا الصراط المستقیم» در فهمیدن، در عمل و در دور نگه داشتن عمل از آفات، مدد بجوید.

۱. نساء، ۱۳۷.

۲. بقره، ۵۱.

۱. اعراف، ۱۷۶.

### پیوند نماز با نیازها

در قرآن می‌خوانیم که در مشکلات از نماز کمک بگیرید «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»<sup>۱</sup> و در روایات برای حل مشکلات و برآورده شدن حاجات سفارش به نمازهایی شده است که از نمونه‌های برجسته آن نماز جعفر طیار است.

در حدیث دیگری می‌خوانیم دعای بعد از نماز مستجاب و حاجات برآورده می‌شود.

در حدیث می‌خوانیم هر گاه برای پیامبر اسلام ﷺ و حضرت علی عَلِيٍّ مشکلاتی پیش می‌آمد نماز می‌خواندند و دعا می‌کردند.

در تاریخ می‌خوانیم: هر گاه برای بوعلی سینا مشکلی علمی پیش می‌آمد، دو رکعت نماز می‌خواند و از خدا استمداد می‌کرد.

### پیوند نماز با جهاد

قرآن در سوره نساء آیه ۱۰۲ نحوه اقامه نماز در جبهه‌ها را مطرح کرده است و می‌فرماید: «وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يَصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَذَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْنَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أذى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَ



خُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَاباً مُهِيناً<sup>۱</sup> (ای پیامبر!) هر گاه (در سفرهای جهادی) در میان سپاه اسلام بودی و برای آنان نماز برپا داشتی، پس گروهی از آنان با تو (به نماز) بایستند و سلاحهای خود را همراه داشته باشند، پس چون سجده کردند (قیام نمایند و رکعت دوّم را فرادی انجام داده پس بروند و) پشت سر شما (نگهبان) باشند، و گروه دیگر که نماز نخوانده‌اند (از رکعت دوّم) با تو نماز بخوانند و وسایل دفاع و سلاحهای خود را با خود داشته باشند، کافران دوست دارند که شما از سلاح و ساز و برگ خود غافل شوید تا یکباره بر شما حمله آورند، و اگر از باران رنجی به شما رسید یا بیمار و مجروح بودید، گناهی بر شما نیست که سلاحهایتان را بر زمین بگذارید و (فقط) وسایل دفاع با خود داشته باشید. همانا خداوند برای کافران عذابی خوارکننده فراهم کرده است.

در سال ششم هجری، پیامبر ﷺ با گروهی به سوی مکه عزیمت کردند. در منطقه‌ی حدیبیه، با خالد بن ولید و دویست نفر همراه او مواجه شدند که برای جلوگیری از ورود آن حضرت، سنگر گرفته بودند. پس از اذان بلال و برپایی نماز جماعت، خالد بن ولید فرصت را مناسب دید که هنگام نماز عصر یکباره حمله کند، در این هنگام آیه مذکور نازل شد و از توطئه دشمنان خبر داد.

خالد پس از دیدن این معجزه، مسلمان شد. در این نماز، گروه اوّل پس از پایان رکعت اوّل، برخاسته بقیه نماز را خود تمام می‌کنند و امام جماعت صبر می‌کند تا گروه دیگر به رکعت دوّم برسند و با سلاح، به نماز جماعت بپیوندند.

این آیه بیانگر مطالب متعددی است از جمله اینکه نماز، حتّی در صحنه جنگ نیز تعطیل نمی‌شود و رزمنده نمی‌تواند بی‌نماز باشد. در اهمیت نماز جماعت همین بس که در جبهه جنگ با دشمن، حتّی با یک رکعت هم برپا می‌شود.

در هنگام پیش آمدن دو وظیفه (جهاد و نماز)، نباید یکی فدای دیگری شود.

در همه حال، هشیاری لازم است و حتّی نماز هم نباید مسلمانان را از خطر دشمن غافل کند.

رهبر، محور وحدت و عبادت است.

در تاریخ می‌خوانیم: که حضرت علی علیه السلام در جنگ صفین گاهی به آسمان نگاه می‌کرد، پرسیدند: دلیل نگاه شما چیست؟ فرمود: مراعات وقت نماز می‌کنم. گفتند: الآن در گرما گرم جنگ هستیم. فرمود: نباید از نماز غافل شویم.

نمونه دیگرش نماز امام حسین علیه السلام در ظهر عاشورا که برای دو رکعت نماز سی تیر به سوی حضرت رها شد. نماز اول وقت آن هم

با جماعت در برابر دشمن، نمازی که به قیمت شهید شدن و مجروح شدن برخی از یاران حضرت انجامید.

### ❁ پیوند نماز با حج ❁

طواف، از ارکان حج است و برای هر طوافی دو رکعت نماز الزامی است.

در حدیث می‌خوانیم شخصی به علت محرومیت از حج ناراحت بود که حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ به او فرمودند: در نماز جمعه شرکت کن که آن حج مساکین است: «عَلَيْكَ بِالْجُمُعَةِ فَإِنَّهَا حَجُّ الْمَسَاكِينِ»<sup>۱</sup>

### ❁ پیوند نماز با هجرت ❁

حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ دلیل هجرت خودش را به مکه، انجام مراسم حج یا عمره ندانست، بلکه فرمود: من با زن و بچه به این منطقه هجرت می‌کنم تا نماز را به پادارم: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ»<sup>۲</sup>

### ❁ پیوند نماز با وقف ❁

تمام مساجد و مکان‌های عبادی در طول تاریخ، تحت عنوان وقف عام ساخته شده و برای تعمیر و عمران آنها نیز موقوفات بسیاری از

۱. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۰۰.

۲. ابراهیم، ۳۷.

سوی مردم نیکوکار قرار داده شده است. اصولاً مسجد وقف و از ملک مردم خارج شده است.

### پیوند نماز با مبارزه

مشرکین به حضرت شعیب علیه السلام می گفتند: ای شعیب، آیا نمازت به تو امر می کند که در مقابل آئین سستی ما بایستی و نگذاری ما راه نیاکان خود را برویم: «قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرُكَ مَا يَعْْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ»<sup>۱</sup>.

از این آیه معلوم می شود نماز واقعی، انسان را شخصی با صلابت، مقاوم، مبارز و مصلح می سازد که حتی مخالفین می گویند: این قدرت نماز است که انبیا را این گونه مخالف شرک قرار داده است.

### پیوند نماز با شناخت خدا

در نماز با صفات خداوند نیز آشنا می شویم، نظیر؛ مالکیت، رحمانیت، ربوبیت، عظمت، معبودیت، الوهیت، هدایت، وحدانیت و صمدیت او.

### پیوند نماز با انبیا، صدیقین، شهدا و صالحین

نمازگزار در نماز از خدا می خواهد به راه کسانی هدایت شود که خداوند به آنها نعمت ویژه داده است: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»

که این افراد در دیگر آیات قرآن کریم انبیا، صدیقین، شهدا و صالحان معرفی شده‌اند: «وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ»<sup>۱</sup>.

گویا غیر از انبیا و شهدا و صدیقان و صالحان، دیگران بیراهه می‌روند و راه مستقیم، منحصراً راه یکی از این چهار گروه است. در روایات، بهترین نمونه‌ی صدیقان، امامان معصوم علیهم‌السلام و حضرت صدیقه زهرا علیها‌السلام معرفی شده است. مراد از «شهدا» هم، یا کشتگان میدان جهادند یا گواهان اعمال در قیامت.<sup>۲</sup>

### پیوند نماز با پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

قرآن می‌فرماید: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ»<sup>۳</sup> یعنی نماز و زکات باید در کنار ولایت‌پذیری و در سایه اطاعت از رهبر آسمانی باشد و به عبارت دیگر، عبادت باید در کنار سیاست صحیح باشد.

همچنین در نماز با جمله «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» نسبت به شخص پیامبر اسلام اظهار عشق و ادب می‌کنیم. همان گونه که در اذان و اقامه و تشهد، به رسالت حضرت گواهی می‌دهیم و این وعده خداوند به پیامبر است که می‌فرماید: «وَرَفَعْنَا

۱. نساء، ۶۹.

۲. تفسیر نور، ج ۲، ص: ۲۲۴.

۳. نور، ۵۶.

لَكَ ذِكْرٌ»<sup>۱</sup> نام تو را بلند مرتبه قرار می‌دهیم. و خداوند تجلیل و تکریم پیامبر را در آیه ۱۵۷ سوره اعراف نشانه فلاح و رستگاری قطعی مؤمنان دانسته و با کلمه «هُمُ الْمُفْلِحُونَ» از آنان یاد کرده است.

### ﴿ بپوند نماز با اهل بیت ﷺ ﴾

ما ماموریم که در تشهد نماز نسبت به اهل بیت پیامبر، سلام و درود بفرستیم و علاقه خود را در قالب صلوات بر ایشان ابراز کنیم:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»

این صلوات بر اهل بیت پیامبر، در تشهد اهل سنت نیز وجود دارد و امام شافعی در اشعار خود می‌گوید: ای اهل بیت پیامبر، در ارزش شما همین بس که اطاعت شما واجب و هر کس در نماز بر شما صلوات نفرست، نمازش باطل است:

يا آل بيت رسول الله حبيكم  
فرض من الله في القرآن أنزله  
يكفيكم من عظيم المجد أنكم  
من لم يصل عليكم لا صلاة له»<sup>۲</sup>

در پایان هر نماز تسیحات فاطمه زهرا عليها السلام بهترین تعقیب شمرده شده و پاداش هزار رکعت نماز دارد.

در حدیث می‌خوانیم: که امام رضا عليه السلام بعد از نماز خود به هریک از ائمه معصومین سلام می‌کردند.

۱. انشراح، ۴.

۲. البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، ج ۵، ص ۲۱۲.

### پیوند نماز با قرآن

در مواردی نماز و قرآن در کنار یکدیگر ذکر شده‌اند. مثلاً در قرآن می‌خوانیم: «الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ»<sup>۱</sup> و در جای دیگر می‌خوانیم: «الَّذِينَ يَمَسُّونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ».<sup>۲</sup>

امام رضا علیه السلام فرمودند: در نماز قرائت سوره حمد واجب شد تا قرآن مطرح شود و مهجور نشود.<sup>۳</sup> به این ترتیب کسانی که نماز می‌خوانند، در هر شبانه روز حداقل ۲ سوره از قرآن را بارها می‌خوانند.

در آیات قرآن نیز بحث نماز، عبادت، رکوع، سجود، قنوت و تسبیح به چشم می‌خورد.

بنابراین هم قرآن ما را به نماز سوق می‌دهد و هم نماز ما را به سمت قرآن سوق می‌دهد، همان‌گونه که ریشه درخت، مواد غذایی را به شاخه تحویل می‌دهد و شاخه نیز انرژی دریافت شده از نور را به ریشه می‌رساند.

### پیوند نماز با سایر عبادات

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر نماز قبول شود، سایر اعمال نیز قبول می‌شود و اگر نماز قبول نشود، دیگر اعمال نیز قبول نمی‌شود.

۱. فاطر، ۲۹.

۲. اعراف، ۱۷۰.

۳. من لایحضر الفقیه، ج ۱، ص ۸۴.

آری، پیوند پذیرش عبادات دیگر به قبولی نماز، نقش کلیدی آن را نشان می‌دهد مثل آنکه اگر پلیس، از شما گواهینامه رانندگی بخواهد، شما هر مدرک و کارت شناسایی معتبر دیگری هم ارائه دهید، پذیرفته نمی‌شود. مجوز رانندگی، داشتن گواهینامه است و بدون آن تمام مدارک بی‌اثر خواهد بود. در قیامت نیز مجوز عبور از صراط، اقامه نماز است.

### پیوند نماز با ادیان آسمانی

در قرآن می‌خوانیم که اقامه نماز همراه با ایمان به تمام کتب آسمانی قبل مطرح شده است: «وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ»<sup>۱</sup>. همان گونه که فرمان به نماز در کتب آسمانی دیگر نیز مطرح شده است.

در قرآن می‌خوانیم: «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْهُ»<sup>۲</sup> یعنی نماز را به پا دارید و خود را از مخالفت با اوامر الهی حفظ کنید. همچنین در جای دیگر می‌خوانیم: «أَنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»<sup>۳</sup> شرط قبولی هر کار خوبی آن است که افراد با تقوا آن را انجام دهند. این مطلب نشان می‌دهد که هر کاری، از هر کسی قبول نمی‌شود، همان گونه که ما آب را با ظرف تمیز می‌خوریم و نه با هر ظرفی، اگر شربتی را در ظرف

۱. نساء، ۱۶۲.

۲. انعام، ۷۲.

۳. مائده، ۲۷.



کثیف بریزند، هیچ کس مصرف نمی‌کند. آری شرط قبولی اعمال نیز تقواست که ظرف درونی انسان را پاک می‌کند.

### ❁ پیوند نماز با امر به معروف و نهی از منکر ❁

قرآن کریم می‌فرماید: «يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ»<sup>۱</sup> و در آیه دیگر می‌خوانیم: «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ»<sup>۲</sup> یعنی صالحین همین که حکومت را در دست گرفتند، اقامه نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر را با هم انجام می‌دهند.

در اذان با کلمه «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ» مردم را به بزرگ‌ترین معروف‌ها که نماز است دعوت می‌کنیم، در عین حال که نماز خود نهی از منکر است: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ».<sup>۳</sup>

نماز به انسان خلافکار نهیب می‌زند که اثر آن یا ترک خلاف است و یا توبه و استغفار. نظیر اینکه لباس سفید انسان را از آلودگی حفظ می‌کند به گونه‌ای که هرگاه خواست به سمت آلودگی برود، لباس سفیدش به او نهیب می‌زند و یا در صورت آلوده شدن به او نهیب می‌زند که هرچه سریعتر آن را تمیز کند.

۱. توبه، ۷۱.

۲. حج، ۴۱.

۳. عنکبوت، ۴۵.

### پیوند نماز با توبه

در قرآن می‌خوانیم: «فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ»<sup>۱</sup> یعنی یکی از شروط قبولی توبه، اقامه نماز است. آری کسی که تارک نماز بوده اگر توبه کرد باید نمازهای متروکه خود را قضا کند.

اصولاً در قرآن هر جا کلمه «تَابُوا» آمده در کنارش یک دستور دیگر نیز هست نظیر؛ توبه و نماز، توبه و اصلاح؛ «تَابُوا وَأَصْلَحُوا»<sup>۲</sup>، توبه و ایمان؛ «وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَآمَنُوا»<sup>۳</sup>، توبه و تبعیت از پیامبر ﷺ «فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ»<sup>۴</sup>.

### پیوند نماز با انابه

قرآن می‌فرماید: «مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ»<sup>۵</sup> یعنی خداوند انابه و تضرع به سوی خود و تقوا و اقامه نماز را با هم دیده است که نشان می‌دهد وجود هر یک بدون دیگری کارساز نیست. با کمال تأسف افرادی در جلسات مناجات، توسل و دعا شرکت می‌کنند و جلسات هفتگی و ماهیانه در این امور دارند، ولی حضورشان در نماز جمعه یا جماعت کمرنگ یا بی رنگ است. از

۱. توبه، ۱۱.

۲. بقره، ۱۶۰.

۳. اعراف، ۱۵۳.

۴. غافر، ۷.

۵. روم، ۳۱.

سوی دیگر افرادی به نماز می‌ایستند ولی دامن خود را از گناهان حفظ نمی‌کنند، در حالی که قرآن، نماز و تقوا و انابه را در کنار هم قرار داده است.

### پیوند نماز با کارهای فیر

قرآن می‌فرماید: «وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ»<sup>۱</sup>، ما به تمام انبیا و وحی کردیم کارهای خیر انجام دهند و نماز را اقامه کنند. در این آیه تمام کارهای خیر در یک کفه ترازو و اقامه نماز در کفه دیگر ترازو قرار گرفته است که نشان از همسنگی این دو دارد.

### پیوند نماز با فرشتگان

قرآن می‌فرماید: حضرت زکریا آنگاه که در محراب نماز ایستاده بود، بشارت فرزند را از فرشتگان دریافت کرد: «فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَى»<sup>۲</sup>

### پیوند نماز با تجدید عهد

در هر نماز، انسان بندگی خود را نسبت به خداوند با زبان و عمل اعلام می‌کند. این تجدید میثاق به طور فردی و اجتماعی، گاهی بلند و گاهی آهسته، ایستاده و خمیده و نشسته، شبانه و روزانه و به طور دائم در نماز صورت می‌گیرد.

۱. انبیاء، ۷۳.

۲. آل عمران، ۳۹.

### پیوند نماز با وصیت

در بعضی روایات می‌خوانیم که نماز، هم اوّلین سفارش انبیا بوده و هم آخرین وصیت اولیا.<sup>۱</sup>

در تاریخ زندگی امام صادق علیه السلام آمده است که آن حضرت در آخرین لحظه‌های عمر مبارک خود چشم باز کرده و خواستند که تمام بستگان جمع شوند و سپس فرمودند: شفاعت ما شامل کسانی که نسبت به نماز سهل‌انگاری کنند نخواهد شد: «لَا يَنَالُ شَفَاعَتَنَا مَنْ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ».<sup>۲</sup>

### پیوند نماز با ایمان

نماز یعنی ایمان. بعد از حدود ۱۵ سال که مسلمانان به سوی بیت‌المقدس نماز می‌خواندند، وقتی به دلائلی قبله به سوی کعبه تغییر کرد، سؤالی برای مسلمانان پیش آمد که نمازهای قبلی ما چه حکمی دارد؟ این مسئله را از پیامبر اکرم پرسیدند. آیه نازل شد که نمازهای قبلی شما صحیح است و خداوند پاداش نمازهای شما را ضایع نمی‌کند.

لکن آیه‌ای که نازل شد این بود: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ»<sup>۱</sup>

خداوند ایمان شما را ضایع نمی‌کند. یعنی به جای اینکه بگوید

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۶.

۲. کافی، ج ۳، ص ۲۷۰.

۱. بقره، ۱۴۳.

نمازهایتان از بین نرفته و صحیح است، می‌فرماید: ایمانتان ضایع نشده، که این تعبیر نشان دهنده آن است که نماز یعنی ایمان و ترک نماز یعنی ترک ایمان.

### پیوند نماز با تعمیق دین

بر خلاف تصوّر بعضی که نماز را تکراری می‌دانند، نماز نردبان ترقی است که هر چه بیشتر با حضور قلب خوانده شود بالاتر می‌روی. گرچه در ظاهر رکوع و سجودها تکرار می‌شود، ولی در حقیقت همانند پله‌های نردبانی است که موجب بالا رفتن معرفت و ایمان انسان می‌شود.

به تعبیر دیگر این اعمال به ظاهر تکراری، همانند کلنگی است که برای حفر چاه می‌زنند، کلنگ زدن در ظاهر تکراری است، اما در واقع هر کلنگی که می‌زنید به عمق بیشتری می‌روید و یک قدم به آب نزدیک‌تر می‌شوید. به هر حال، ظاهر نماز تکراری است، اما در واقع عمق بخشیدن به بندگی است.

### پیوند نماز با تغذیه

از شرایط تربیت و تزکیه و خودسازی، بهره گرفتن از غذای حلال است. اگر شکم انسان از غذای حرام پر شود، نصیحت و کلام امام معصوم نیز کارساز نیست. امام حسین علیه السلام در روز عاشورا چند بار

مردم را نصیحت کردند و در آخر فرمودند: شکم شما از حرام پر شده است که سخنان مرا نمی شنوید. «فَقَدْ مُلِئْتُ بِطُؤُنِكُمْ مِنَ الْحَرَامِ»<sup>۱</sup>

امروز متخصصین تعلیم و تربیت شرق و غرب، از نقش تغذیه در تربیت غافل اند و این از امتیازات اسلام است که تغذیه حلال را بستری برای خود سازی و تربیت قرار داده است.

در روایات می خوانیم: کسی که شراب بنوشد، تا مدتی نماز او گرچه واجب است و انجامش رفع تکلیف می کند، ولی قبول نمی شود. همچنین در روایات نماز شب، رمز سلامتی بدن و روشنایی قبر دانسته شده است.<sup>۲</sup>

### پیوند نماز با قلب

اصل نماز توجه قلبی است و از نماز آن مقداری قبول می شود که در آن توجه قلبی باشد. شروع نماز با قلب و نیت است بعد با زبان بعد با حرکات بدن. نماز بدون حضور قلب نظیر میوه های تزینینی و پلاستیکی است. حضور قلب نظیر نخ اسکناسی است که اگر نباشد، اسکناس قابل قبول نیست.

جالب آنکه هریک از واجبات و مستحبات نماز در موقعیت خاصی است مانند قرائت در حال قیام، ذکر در حال رکوع و سجده ولی آنچه در تمام نماز شرط است، نیت و حضور قلب می باشد.

۱. بحار، ج ۴۵، ص ۸.

۲. بحار، ج ۸۴، ص ۱۴۰.

## بیهود نماز با دل شب

اسلام برای زمان‌هایی که همه خوابند ولی دل‌های مردان خدا بیدار است، نماز شب را قرار داده و برای شرکت بیشتر مردم همه نوع تسهیلات را در آن نهاده است. مانند: ایستاده یا نشسته خواندن، بلند یا آهسته خواندن، با سوره یا بدون سوره خواندن، و اگر وقت کم بود به رکعات آخر نماز شب (شفع و وتر) قناعت کردن.

خداوند می‌فرماید: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا»<sup>۱</sup> و پاسی از شب را بیدار باش و تهجد و عبادت کن و این وظیفه‌ای افزون برای توست، باشد که پروردگارت تو را به مقامی محمود و پسندیده برانگیزد.

«هجود»، به معنای خوابیدن است و «تهجد»، به معنای برطرف کردن خواب با عبادت می‌باشد. نماز شب از نمازهای بسیار با فضیلت است و در سوره‌های مزمل و مدثر نیز بیان شده است: «قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا».

در روایات بیش از ۳۰ فضیلت برای نماز شب برشمرده شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:  
تمام انبیا نماز شب می‌خوانده‌اند.

نماز شب، رمز سلامتی بدن و روشنایی قبر است.<sup>۱</sup>

۱. اسراء، ۷۹.

۱. بحار، ج ۸۴، ص ۱۴۰.

نماز شب، در اخلاق، رزق، برطرف شدن اندوه، ادای دین و نور چشم مؤثر است.<sup>۱</sup>

نماز شب، گناه روز را محو می‌کند و نور قیامت است.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: پاداش نماز شب آن قدر زیاد است که خداوند می‌فرماید: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>۳</sup> یعنی هیچ کس پاداشی را که برای آنان در نظر گرفته شده نمی‌داند.<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: شرف مؤمن، نماز شب است و عزت‌ش، اذیت نکردن مردم.

ابوذر کنار خانه خدا کعبه مردم را نصیحت می‌کرد که برای وحشت و تنهایی قبر، در دل شب دو رکعت نماز بخوانید.

درمانده کسی است که دیگران را از نماز شب محروم باشد.

بهترین شما کسی است که اطعام کرده و آشکارا سلام کند و هنگامی که مردم در خوابند، نماز بخواند.

سه چیز بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واجب بود و بر دیگران مستحب:

نماز شب، مسواک زدن و سحرخیزی.<sup>۱</sup> آری جایگاه رهبری، مستلزم تکالیف سنگین‌تری است.

۱. سفینة البحار.

۲. بحار، ج ۸۴، ص ۱۴۰.

۳. سجده، ۱۷.

۴. تفسیر مجمع البیان.

۱. تفسیر فرقان.



### پیوند نماز با ورزش

گر چه رکوع و سجود برای قرب به خدا و بندگی اوست، اما در این اعمال نوعی ورزش بدنی نیز نهفته است. نظیر فردی که با دست لباس می‌شوید و هدفش تمیزی لباس است، اما در این کار نوعی ورزش، نیز نهفته است. عبادات اسلام همراه با نوعی حرکت است و با سلامتی رابطه دارد، در حج و جهاد وصله رحم و عیادت و زیارت حرکت است و در روزه نیز به مسائل سلامتی توجه شده تا آنجا که فرمودند «صُومُوا تَصِحُّوا»<sup>۱</sup>

### پیوند نماز با تواضع

یکی از برکات نماز جماعت آن است که گاهی افراد بزرگسال به جوانها اقتدا می‌کنند که در این اقتدا نوعی تواضع است. آری همین که همه مردم با هر مقام و موقعیتی که دارند در کنار هم و هماهنگ با هم بدون هیچ گونه تشریفات قرار می‌گیرند روحیه تواضع و فروتنی شکوفا می‌شود.

### پیوند نماز با خشوع

قرآن کریم می‌فرماید: قطعاً مؤمنانی رستگارند که در نمازشان خشوع داشته باشند.<sup>۱</sup>

۱. بحار، ج ۵۹، ص ۲۶۷.

۱. مؤمنون، ۱ - ۲.

از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سؤال کردند خشوع در نماز چیست؟ حضرت در پاسخ فرمود: با تمام قلب، توجه به خدا.

نماز برای رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امثال او نور چشم است و لکن برای بعضی‌ها که خشوع ندارند، بار سنگین است. خشوع، مربوط به قلب و روح و خضوع، مربوط به اعضای بدن است. نماز با توجه، انسان را به یاد قدرت بی‌نهایت خدا می‌اندازد و غیر او را هر چه باشد کوچک جلوه می‌دهد. مهر او را در دل زیاد می‌کند، روحیه‌ی توکل را تقویت می‌کند و انسان را از وابستگی‌های مادی می‌رهاند.

در حدیث می‌خوانیم که حضرت مردی را دید که در نماز با ریش خود بازی می‌کند. فرمودند: اگر قلب او خاشع بود این کار را نمی‌کرد و در ادامه فرمودند: خشوع، زینت نماز است و کسی که خشوع ندارد، نماز کاملی ندارد.

همسر پیامبر می‌گوید: پیامبر با ما گفتگو می‌کرد و همین که وقت نماز می‌رسید، گویا ما را نمی‌شناخت. حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام هنگام نماز رنگ صورتش تغییر می‌کرد و می‌لرزید و می‌فرمود: وقت ادای امانتی فرا رسیده است که خداوند بر آسمان‌ها و زمین عرضه داشت و آنها نپذیرفتند اما انسان پذیرفت.

خشوع فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام در نماز به گونه‌ای بود که نوری از محرابش به آسمان می‌درخشید و خداوند با آن نور بر فرشتگانش

مباهات می کرد و می فرمود: شما را گواه می گیرم که شیعیان او را از آتش ایمن کرده‌ام.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرمودند: نشانه خشوع چشم، فرو بستن آن است. طبرسی در تفسیر خود می گوید: منظور، به چپ و راست توجه نکردن است.

سایر ائمه اطهار علیهم السلام نیز اینگونه بوده‌اند، چنانکه در رابطه با امام حسن مجتبی علیه السلام داریم که رنگ صورتش تغییر می کرد: «تغییر لونه» و در رابطه با امام کاظم علیه السلام داریم که رنگ صورتش زرد می شد: «اصفر وجهه» و همچنین امام باقر و امام صادق علیهم السلام : «تغیرت الوانهما».

### پیوند نماز با تمرکز

اسلام برای اقامه نماز سفارشاتى دارد تا انسان در نماز حضور قلب داشته باشد و از چیزهایی که مانع تمرکز فکر است نهی کرده که به چند نمونه اشاره می شود:

۱- روبروی درب باز نماز نخوانید.

۲- روبروی آتش، وسط راه و در حال نگاه داشتن بول و غائط نماز نخوانید.

۳- در حدیث می خوانیم: هنگام نماز در مقابل پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پرده‌ای آویخته بودند که در آن طرح‌های نقاشی شده بود. حضرت

فرمودند: پرده را بردارید تا هنگام نماز، تمرکز و حضور قلب من از بین نرود. با توجه به این حدیث باید محراب‌های مساجد دور از هرگونه تصویر و نقاشی باشد و ما نباید به اسم هنر و یا تقلید از دیگران، جلوی نمازگزاران صحنه‌های تمرکززا طراحی کنیم.

۴- نماز در حمام، آشپزخانه نیز کراهت دارد.

### پیوند نماز با خوداتکائی

در نماز باید روی پای خود بایستیم و نباید به دیگران یا دیوار یا ستون مسجد تکیه کنیم. همچنین در وضو گرفتن نباید کسی ما را در وضو گرفتن کمک کند. این مطلب تأکیدی دیگر بر خوداتکائی و استقلال و روی پای خود ایستادن است.

### پیوند نماز با سمرفیزی

قرآن کریم، دریافت مقام محمود را وابسته به سحرخیزی و تهجد می‌داند و با این که به صبح و فجر و پیش از ظهر و عصر یک بار سوگند خورده ولی به سحر سه بار سوگند خورده تا به ما هشدار دهد بهترین وقت‌ها سحر است.

در روایات می‌خوانیم: پیشوایان معصوم از فرصت سحر و بین الطلوعین برای نیایش بهره‌ها گرفته‌اند. با کمال تأسف امروزه در جوامع بشری دیر خوابیدن تبدیل به یک عادت شده و متأسفانه اکثر

مردم از لذت سحرخیزی (جز ماه مبارک رمضان) محروم‌اند، در حالی که در روایات می‌خوانیم: محروم واقعی کسی است که از سحرخیزی و نماز شب محروم باشد.

قرآن برای بعضی کارها پاداش دو برابر و برای بعضی امور پاداش چند برابر یا ده برابر و برای بعضی از انفاق‌ها و کمک‌رسانی‌های خالصانه پاداش هفتصد برابر و بیشتر بیان داشته اما برای کسانی که سحرخیزند و پهلوی خود را از رختخواب جدا کرده و به مناجات می‌ایستند، پاداشی را ذخیره کرده که هیچ انسانی مقدار آن را نمی‌داند: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً»<sup>۱</sup>

### پیوند نماز با مراقبت

قرآن در مورد نماز، عبارات «حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَاةِ» و «عَلَى صَلَاتِهِمْ يَحَافِظُونَ» را بکار برده که از این تعبیرات استفاده می‌شود که نماز به مراقبت و محافظت نیاز دارد و نماز همچون گوهر گرانبها و ظریف می‌باشد که اگر محافظت نشود، ضایع شده واز دست می‌رود.

امام زین العابدین علیه السلام در سحرهای ماه مبارک رمضان در دعایی که به ابوحمزه ثمالی یاد دادند، می‌فرمایند: خدایا چرا هر وقت به نماز می‌ایستم رخوت و کسالت بر من عارض می‌شود؟ چه شده که این گونه شده‌ام؟

آن حضرت عواملی برای این حالت بیان می‌کنند و از جمله می‌فرمایند: شاید این سنگینی در عبادت؛

به خاطر آن باشد که حرف‌های یاوه گفته یا شنیده ام،

شاید به خاطر آن باشد که از مجالس دانشمندان دوری کرده ام،

شاید به خاطر آن باشد که صداقت در کلام من نیست،

شاید به خاطر آن باشد که آن قدر گناه کرده‌ام که لیاقت گفتگو با

تو را از دست داده ام،

و با این کلمات آفت‌هایی را بیان می‌کنند که هر یک می‌تواند لذت

عبادت را از انسان بگیرد و رخوت و سنگینی به انسان بدهد.<sup>۱</sup>

### پیوند نماز با حفظ انسان

به گفته قرآن کریم، هم انسان باید نماز را حفظ کند و بر پای دارد:

«وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»<sup>۱</sup> و «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى»<sup>۲</sup> و هم نماز انسان را حفظ می‌کند: «الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»<sup>۳</sup>.

همچنین قرآن می‌فرماید: هنگامی که در جبهه و در مقابل دشمن

نماز می‌گذارید، اسلحه خود را به همراه داشته باشید و لحظه‌ای از

۱. مصباح‌المتجهد، ص ۵۸۷.

۲. معارج، ۳۴.

۳. بقره، ۲۳۸.

۴. عنکبوت، ۴۵.

اسلحه خود جدا نشوید تا جان شما حفظ شود: «وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَ لْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ»<sup>۱</sup>.

به راستی قرآن چه گونه کتابی است که اینچنین مؤمنین را هوشیار و جامع‌نگر تربیت می‌کند؛ هم به اصل نماز توجه دارد، هم به جماعت، هم به حفظ جان رزمندگان، هم توجه به نماز اول وقت.

### ﴿ پیوند نماز با مقام انسان ﴾

در حدیث می‌خوانیم که هر کس می‌خواهد بداند مقام و ارزش او نزد خداوند چگونه است، ببیند که خدا نزد او چه مقامی دارد.<sup>۲</sup> اگر نماز در نزد تو بزرگ و محترم بود، تو نیز نزد خداوند احترام داری و اگر نسبت به انجام فرمان او بی‌تفاوت بودی، مقام و ارزشی نزد او نداری و همچنین اگر نماز ترا از فساد و فحشا بازداشت، نشانه تأثیر و قبولی نماز است.

قرآن می‌فرماید: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»<sup>۳</sup> نماز بار سنگینی است مگر برای افراد خاشع.

بنابراین هرگاه احساس کردیم نماز برای ما سنگین است باید بفهمیم روح خشوع نسبت به پروردگاران نداریم و از دست دادن خشوع زمینه بی‌تفاوتی و کبر است.

۱. نساء، ۱۰۲.

۲. بحار، ج ۷۵، ص ۱۹۹.

۳. بقره، ۴۵.





## فهرست

|    |                            |
|----|----------------------------|
| ۵  | مقدمه                      |
| ۶  | سیمای نماز                 |
| ۷  | پیوند نماز با تاریخ        |
| ۸  | پیوند نماز با جغرافیا      |
| ۹  | پیوند نماز با خورشید       |
| ۹  | پیوند نماز با ماه          |
| ۹  | پیوند نماز با ستاره ها     |
| ۱۰ | پیوند نماز با آب           |
| ۱۰ | پیوند نماز با خاک و زمین   |
| ۱۱ | پیوند نماز با آسمان        |
| ۱۱ | پیوند نماز با سلامتی       |
| ۱۱ | پیوند نماز با نظافت        |
| ۱۲ | پیوند نماز با نشاط         |
| ۱۳ | پیوند نماز با ادب          |
| ۱۴ | پیوند نماز با آرامش روانی  |
| ۱۴ | پیوند نماز با بهشت و دوزخ  |
| ۱۵ | پیوند نماز با علم و دانش   |
| ۱۵ | پیوند نماز با اخلاص        |
| ۱۶ | پیوند نماز با اخلاق اسلامی |
| ۱۷ | پیوند نماز با میراث فرهنگی |
| ۱۷ | پیوند نماز با زمان بندی    |
| ۱۷ | پیوند نماز با پایداری      |

- ۱۸ پیوند نماز با جبران گذشته‌ها
- ۱۹ پیوند نماز با تنوع
- ۲۰ پیوند نماز با کیفیت و کمیت
- ۲۰ پیوند نماز با پرهیزکاری و تقوا
- ۲۱ پیوند نماز با دیگر اعمال
- ۲۲ پیوند نماز با دوستی خدا
- ۲۲ پیوند نماز با استقرار و آرامش
- ۲۳ پیوند نماز با آموزش
- ۲۳ پیوند نماز با اولیای خدا
- ۲۴ پیوند نماز با آماده سازی
- ۲۴ پیوند نماز با سرعت و سبقت
- ۲۵ پیوند نماز با تلاش برای رفع موانع
- ۲۵ پیوند نماز با معراج
- ۲۷ پیوند نماز با صداقت
- ۲۷ پیوند نماز با دریافت الطاف الهی
- ۲۸ پیوند نماز با آمرزش گناهان
- ۳۰ پیوند نماز با نیاز
- ۳۱ پیوند نماز با توکل
- ۳۱ پیوند نماز با رحم
- ۳۲ پیوند نماز با وحدت
- ۳۲ پیوند نماز با هدیه
- ۳۳ پیوند نماز با رنگ ها
- ۳۴ پیوند نماز با آهنگ و قالب زیبا
- ۳۵ پیوند نماز با تحریم شراب
- ۳۵ پیوند نماز با تمام عمر

- ۳۶ پیوند نماز با نذر
- ۳۷ پیوند نماز با سیر باطنی
- ۳۷ پیوند نماز با تعقل، تفکر و تدبیر
- ۳۸ پیوند نماز با وقت شناسی
- ۳۹ پیوند نماز با مرگ آسان
- ۳۹ پیوند نماز با سایر کارها
- ۴۰ پیوند نماز با مقام محمود
- ۴۰ پیوند نماز با تربیت
- ۴۱ پیوند نماز با زبان واحد
- ۴۲ پیوند نماز با نور قلب
- ۴۲ پیوند نماز با اولویت سنجی
- ۴۲ پیوند نماز با حسن عاقبت
- ۴۲ پیوند نماز با نزول رحمت
- ۴۳ پیوند نماز با روابط اجتماعی
- ۴۳ پیوند نماز با خیرخواهی
- ۴۴ پیوند نماز با همسایگان
- ۴۴ پیوند نماز با عموم مردم
- ۴۵ پیوند نماز با مسلمین جهان
- ۴۶ پیوند نماز با والدین
- ۴۶ پیوند نماز با فرزندان
- ۴۸ پیوند نماز با همسر
- ۴۹ پیوند نماز با تولد
- ۴۹ پیوند نماز با مرگ
- ۴۹ پیوند نماز با محتضر
- ۵۰ پیوند نماز با هدایت شدگان

- ۵۱ پیوند نماز با برائت از مغضوبین
- ۵۲ پیوند نماز با برائت از گمراهان
- ۵۳ پیوند نماز با معماری
- ۵۴ پیوند نماز با طبیعت
- ۵۴ پیوند نماز با زمان و مکان
- ۵۵ پیوند نماز با محرومان
- ۵۷ پیوند نماز با حق الناس
- ۵۷ پیوند نماز با حقوق والدین
- ۵۸ پیوند نماز با حقوق همسر
- ۵۹ پیوند نماز با حقوق مجاورین
- ۵۹ پیوند نماز با ازدواج
- ۶۰ پیوند نماز با جمعیت
- ۶۰ پیوند نماز با مشورت
- ۶۲ پیوند نماز با اخبار جهان
- ۶۲ پیوند نماز با حفظ ارزشها
- ۶۳ پیوند نماز با اعتماد سازی
- ۶۳ پیوند نماز با نظم
- ۶۴ پیوند نماز با صالحان
- ۶۵ پیوند نماز با آینده سازان تاریخ
- ۶۵ پیوند نماز با حفظ آبرو
- ۶۶ پیوند نماز با اصلاح فرد و جامعه
- ۶۷ پیوند نماز با دوستان خوب
- ۶۷ پیوند نماز با عفاف و حجاب
- ۶۸ پیوند نماز با حضور زنان در جامعه
- ۶۹ پیوند نماز با امنیت زنان

- ۷۰ پیوند نماز با زینت
- ۷۰ پیوند نماز با وحدت و محبت و برادری
- ۷۱ پیوند نماز با حضور به موقع
- ۷۱ پیوند نماز با برکات مسجد
- ۷۲ پیوند نماز با جذب حداکثری
- ۷۲ پیوند نماز با مدیریت
- ۷۳ پیوند نماز با تعاون و مشارکت
- ۷۵ پیوند نماز با مراعات افراد ضعیف
- ۷۵ پیوند نماز با دوری از تجملات
- ۷۶ پیوند نماز با وقار
- ۷۶ پیوند نماز با واقعیت ها
- ۷۸ پیوند نماز با نظافت
- ۷۸ پیوند نماز با دوری از تملق
- ۷۹ پیوند نماز با زندانیان
- ۸۰ پیوند نماز با تحرک
- ۸۱ پیوند نماز با جماعت
- ۸۱ پیوند نماز با تشکیلات
- ۸۲ پیوند نماز با کمک به محرومان
- ۸۳ پیوند نماز با محبوبیت اجتماعی
- ۸۴ پیوند نماز با پاکی چشم و روح
- ۸۴ پیوند نماز با اعتماد سازی
- ۸۴ پیوند نماز با مردم شناسی
- ۸۵ پیوند نماز با راه شناسی
- ۸۵ پیوند نماز با اذان
- ۸۶ پیوند نماز با سیاست

- ۸۷ پیوند نماز با استقلال
- ۸۷ پیوند نماز با انتخاب
- ۸۸ پیوند نماز با شهادت
- ۸۹ پیوند نماز با تحمل شکنجه ها
- ۹۱ پیوند نماز با حکومت
- ۹۲ پیوند نماز با اطاعت
- ۹۲ پیوند نماز با موضع گیری های اجتماعی و سیاسی
- ۹۳ پیوند نماز با تزلزل نظام های فاسد
- ۹۴ پیوند نماز با رهبری
- ۹۴ پیوند نماز با ترویج ارزش ها
- ۹۵ پیوند نماز با عدالت
- ۹۵ پیوند نماز با معیارهای مکتبی
- ۹۶ پیوند نماز با راه حق
- ۹۷ پیوند نماز با تسلیم
- ۹۷ پیوند نماز با مسأله جبر و اختیار
- ۹۷ پیوند نماز با تجارت
- ۹۸ پیوند نماز با لقمه حلال
- ۹۹ پیوند نماز با پاداش الهی
- ۹۹ پیوند نماز با سختی کار
- ۹۹ پیوند نماز با حساب و کتاب
- ۱۰۱ پیوند نماز با رعایت ادب
- ۱۰۱ پیوند نماز با تکمیل کارها
- ۱۰۲ پیوند نماز با عمران و آبادی
- ۱۰۳ پیوند نماز با رزق و روزی
- ۱۰۳ پیوند نماز با عالم غیب

- ۱۰۴ پیوند نماز با خودسازی
- ۱۰۵ پیوند نماز با هوشیاری و غفلت زدائی
- ۱۰۶ پیوند نماز با مبدأ
- ۱۰۷ پیوند نماز با معاد
- ۱۰۸ پیوند نماز با تشکر
- ۱۰۹ پیوند نماز با شعائر
- ۱۱۱ پیوند نماز با زیارت
- ۱۱۱ پیوند نماز با دعا
- ۱۱۴ پیوند نماز با نیازها
- ۱۱۵ پیوند نماز با جهاد
- ۱۱۸ پیوند نماز با حج
- ۱۱۸ پیوند نماز با هجرت
- ۱۱۸ پیوند نماز با وقف
- ۱۱۹ پیوند نماز با مبارزه
- ۱۱۹ پیوند نماز با شناخت خدا
- ۱۱۹ پیوند نماز با انبیاء، صدیقین، شهدا و صالحین
- ۱۲۰ پیوند نماز با پیامبر اسلام ﷺ
- ۱۲۱ پیوند نماز با اهل بیت علیهم السلام
- ۱۲۲ پیوند نماز با قرآن
- ۱۲۲ پیوند نماز با سایر عبادات
- ۱۲۳ پیوند نماز با ادیان آسمانی
- ۱۲۴ پیوند نماز با امر به معروف و نهی از منکر
- ۱۲۵ پیوند نماز با توبه
- ۱۲۵ پیوند نماز با انابه
- ۱۲۶ پیوند نماز با کارهای خیر

|     |                          |
|-----|--------------------------|
| ۱۲۶ | پیوند نماز با فرشتگان    |
| ۱۲۶ | پیوند نماز با تجدید عهد  |
| ۱۲۷ | پیوند نماز با وصیت       |
| ۱۲۷ | پیوند نماز با ایمان      |
| ۱۲۸ | پیوند نماز با تعمیق دین  |
| ۱۲۹ | پیوند نماز با تغذیه      |
| ۱۲۹ | پیوند نماز با قلب        |
| ۱۳۰ | پیوند نماز با دل شب      |
| ۱۳۲ | پیوند نماز با ورزش       |
| ۱۳۲ | پیوند نماز با تواضع      |
| ۱۳۳ | پیوند نماز با خشوع       |
| ۱۳۵ | پیوند نماز با تمرکز      |
| ۱۳۵ | پیوند نماز با خوداتکائی  |
| ۱۳۶ | پیوند نماز با سحرخیزی    |
| ۱۳۷ | پیوند نماز با مراقبت     |
| ۱۳۸ | پیوند نماز با حفظ انسان  |
| ۱۳۸ | پیوند نماز با مقام انسان |